

فهرست

فارسی یازدهم

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درسام

ردیف	ردیف	دسته	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درسام
۲۲۹	۱۴۷	سایش	۲۹۰
۲۴۰	۱۵۲	نیم	۲۹۱
۲۴۴	۱۶۰	دوم	۲۹۴
۲۴۸	۱۷۰	سوم	۲۹۸
۲۵۱	۱۸۰	چهارم	۳۰۰
۲۵۶	۱۹۰	ششم	۳۰۳
۲۵۹	۱۹۸	هفتم	۳۰۵
۲۶۵	۲۰۸	هشتم	۳۰۸
۲۶۸	۲۱۵	نهم	۳۱۱
۲۷۲	۲۲۱	دهم	۳۱۲
۲۷۵	۲۲۸	یازدهم	۳۱۶
۲۷۸	۲۲۴	دوازدهم	۳۱۹
۲۸۲	۲۲۳	چهاردهم	۳۲۲
۲۸۷	۲۴۹	پانزدهم	۳۲۷
۲۹۰	۲۵۷	شانزدهم	۳۲۹
۲۹۶	۲۶۴	هفدهم	۳۳۲
۲۹۸	۲۷۰	هجدهم	۳۳۵
۴۰۱	۲۷۶	نیانش	۳۳۷
۲۸۰	۲۸۴	تاریخ ادبیات و کوزشناسی	۱۲۷

فارسی دهم

پرسش‌های چهارگزینه‌ای درسام

سایش

نیم

دوم

سوم

چهارم

ششم

هفتم

هشتم

نهم

دهم

یازدهم

دوازدهم

سیزدهم

چهاردهم

پانزدهم

شانزدهم

هفدهم

هجدهم

نیانش

تاریخ ادبیات و کوزشناسی

پانچ نامه تشریحی

پانچ نامه کمیدی

۴۰۳

۵۹۳

چون رایت عشق آن جهان گیر شد چون مه لیلی آسمان گیر

بیت به شیوه بلاغی است؛ زیرا اجزای آن جایه‌جا شده‌اند. صورت عادی و غیربلاغی بیت این‌چنین است: چون رایت عشق آن جهان‌گیر چون مه لیلی آسمان‌گیر شد.

برداشته دل ز کار او بخت درمانده پدر به کار او سخت «سخت» در این بیت قید است. بیت به شیوه بلاغی است. صورت عادی بیت چنین است: بخت از کار او دل برداشته، پدر به کار او سخت درمانده.

بیت به شیوه عادی است و هیچ کدام از اجزای اصلی آن جایجا نشده است.

گفتند باشاق یکسر کز کعبه گ شاده گردد این در

بیت به شیوه بلاغی بیان شده است، چون جای اجزای کلام تغییر کرده است، «به اتفاق» و «یکسر» قید هستند. در شیوه عادی، فعل در هر دو مصراع به بیان جمله منتقل می‌شود.

واج‌شماری دو بست از درس

کاین قضه شنیدگشت خاموش می‌داشت پدر بیه سوی او گوش

واج: م/ای/د/ا/ش/ات/پ/ز/ا/د/ر/ا/ب/ب/ز/ا/س/او/ای/ز/ا/و/گ/او/ش/ک/ا/ی/ان/اق/ا/اص/ا/ش/ب/ا/ن/ای/د/ا/ش/ب/ت/خ/ا/م/ا/ش/

هجا، ۱۷ مصوت، ۲۷ صامت و در مجموع ۴۴ واج دارد (به تعداد هجاهای، مصوت داریم، هجاهای را با کشیدن آکولاد

تفکیک کرده‌ایم، بهتر است موقع واج‌شماری، اول هجاها را تفکیک کنیم).

دانست که دل اسیر دارد دوپذیر دردی نه دارد

۱۷ هجری، ۱۷ مصوّت، ۲۵ صامت و در مجموع ۴۲ واج دارد.

درس نهم

لغت و معنی

حق تعالیٰ: خداوند والا مرتبہ (تعالیٰ: بلند مرتبہ اختصاص: برگزیدن، تفضیل و ویژگی
کرده‌اند) قربت: نزدیکی در مکان و منزلت تعییه کردن: قراردادن، جاسازی کردن

ووسایط: جمع وسیله یا واسطه؛ آنچه به وحی و الهام است.

حضرت*: آستانه، پیشگاه، درگاه
خليفت*: خليفه، جانشين
مدد يا از طريق آن به مقصد مى رستند.
مقام: منزلت، مرتبه، محل

مُشتبهٔ: اشتباه‌کننده، دچار اشتباه؛ **مُشتبهٔ شدن:** قربٌ؛ نزدیک‌شدن، هم‌جواری
طوع^{*}: فرمان‌برداری، اطاعت، فرمابنگی
رغبت^{*}: میل و اراده، خواست
تاب: طاقت، توان
به اشتباه افتادن

تحصیل: به دست آوردن، حاصل کردن	اکراه: کسی را به زور به کاری واداشتن، عنایت*: توجه، لطف، احسان
فضل: برتری، معرفت و کمال	ناظرگاردن: نگریستن، به دقت نگاه کردن
صادق: راستین	معکوس: وارونه
منزلت: جاه، مرتبه و درجه	خزانی*: جمع خزینه و خزانه؛ گنجینه‌ها
سؤال: درخواست و تقاضا	غیب: باطن، نهانی
نفای*: جمع نفیسه؛ چیزهای نفیس و گرانبها	نمای*: درخواست و خواهش، آرزو
دفین: مدفن، زیر خاک رفته (دفین کردن)	کاستن: کم کردن
خواست: سؤال، تقاضا	دفین کردن، پنهان ساختن)
اجرث*: اجر، پاداش، دستمزد	حیات: زندگی (حیاط: صحن خانه)
ماء: آب	خزانه: گنجینه
رأفت*: مهربانی، شفقت	خازن: نگهبان، خزانه‌دار
هیشت*: شکل، ظاهر، دسته‌ای از مردم	لایق: سزاوار، درخور
متلاعی*: درخشان، تابان	اعزاز*: عالم غیبه، جهان بالا
ناگزیر: ناچار	ملکوت*: استحقاق: سزاواری، شایستگی
منزوى: گوشه‌گیر	خزانگی: خزانه‌داری، نگهبانی و نگهداری
آسوار: جمع سر؛ رازها (اصرار: پافشاری کردن)	لرزشگام لرزش]
چاثانه: محبوب، دلدار	کبریایی*: منسوب به کبریا؛ خداوند تعالی
سموات: آسمان‌ها	غنای*: بی نیازی، توانگری [غنای: نعمه، سرود، آواز خوش]
جبال: کوه‌ها	الطف: جمع لطف؛ نیکویی‌ها، احسان‌ها
ظلوم: بسیار ستمگر	الوهیت*: خدایی، خداوندی
آحزاب: جمع حزب؛ گروه‌ها	حکمت: علم و دانایی
حسن: خوبی، نیکویی، جمال	ربویت*: الوهیت و خدایی، پروردگاری
مشعشع*: درخشان، تابان	ازل: زمان بی آغاز، مقابل ابد (عزل: برکنار کردن)
سست‌عناصر*: جمع سست‌عنصر؛ بی‌اراده،	کوشک*: قصر و هر بنای رفیع
بی‌غیرت، کاهم	سهول: آسان
دستان: لقب زال، حیله، نغمه	معدور: عذرآورنده، بهانه‌دار
داد: جانور درنده و وحشی؛ مقابل دام (دام: جانور اهلی)	دستگاری: تصرف کردن، دست‌بردن در چیزی آفت: آسیب، صدمه
ملول: آزرده و بیزار	بوقلمون: نوعی از پارچه دلبای رومی که هر موضع: جا و مکان
جُستن: تفتیش، طلب کردن (جستن: پریدن، رهاشدن)	باردادن: اجازه ورود و حضور دادن
	لحظه به رنگ دیگر نماید.
	مردود: بازگردانیده، ردشده
	گرم: بزرگواری، جود و بخشش
	پد: دست
	نشتر: ابرار فلزی نوک‌تیز
	جلَّت*: بزرگ است
	تصرف کردن: دست به کاری زدن، تغییردادن نجم: ستاره، اختر
	چیزی به میل خود

كلات هم‌الاين

اکراه و اختیار	جبنیل و میکائیل	اصناف و انواع
قهرا و غلبه	اسرافیل و عزراپل	وسایط و اسباب
یک قبضه خاک	عزم و ذوالجلالی	مشتبه و ناملوم
مکه و طائف	تاب و طاقت	مقام و منزلت
تعجب و تحیر	قرب و بعد	گل و طین
ذلیل و عزیز	آستان حق تعالی	اختصاص و برگزیدن
مزلت و خواری	طوع و رغبت	تعبیه و جاسازی



اختصاص: هم‌ریشه با خاص، خصوص، مختص، خصیصه، خصایص، مختص	موضع و مواضع	اعزاز و اکرام
قُرْبَةٌ: هم‌ریشه با قریب، قُرْبَتْ، مقرِّب، تقریب، اقرباً (خوبیشان)	مرصاد العیاد	حضرت غُنا
طوع: هم‌ریشه با طاعت، اطاعت، مطبع، مطابعوت، مطاع (فرمانروای)	مبدأ و معاد	الطفا الوهیت
رُغْبَةٌ: هم‌ریشه با راغب، ترغیب، مرغوب	تحصیل فضل	سِرْ و باطن
اکراه: هم‌ریشه با کراحت، مکروه، کریه، کاره (نایسنده‌دارنده)	خواست و سؤال	ازل و ابد
قهْرَاءُ: هم‌ریشه با قاهر، مقهور، قهار	جزء و شیء	امامور و معذور
ذَلْكَ: هم‌ریشه با ذُلْ، ذلت، ذلیل، ذلالت، إذلال (خوارساختن)	مارِ بُوأ	نقش‌های بوقلمون
رأْفَةٌ: هم‌ریشه با رئوف	رأفت و شفقت	تنیر و تصرف
مُتَلَّكٌ: هم‌ریشه با تلاؤ	هیئت و ظاهر	عنایت و توجه
ظَلْلَمٌ: هم‌ریشه با ظالم، مظلوم، تظلم، مظلمه	متلائی و مشعشع	معکوس و وارونه
جَاهْلَةٌ: هم‌ریشه با جهل، جاھل، جھاں، تجاھل	رؤیا و آرزو	نفایس و خزابین
جَهَالَةٌ: هم‌ریشه با تلاؤ	مؤلّف كتاب	آفتاب نظر
جَهَالَةٌ: هم‌ریشه با ظالم، مظلوم، تظلم، مظلمه	محرم اسرار	حیات و ممات
جَهَولَةٌ: هم‌ریشه با جهل، جاھل، جھاں، تجاھل	ظلام و جهول	لایق و مستحق
مشعشع: هم‌ریشه با تشتعش، شعشude، اشته، شاع	سیست عنصر و بی‌غیرت	صفی امانت معرفت
اصناف: هم‌ریشه با صنف، صنوف	کاھل و بی‌اراده	اھلیت و استحقاق
	قصر رفیع	اپلیس پر تلیس
	نفیس و تمین	طوف و طواف
	وسیطه و واسطه	جسم و قالب
	سهول و صعب	سهول و صعب

مفهوم و آرایه‌های ادبی

مفهوم و آرایه‌های ادبی	بیت / عبارت
ملفوظ: آفرینش بی‌واسطه انسان از گیل آنها؛ تضمین: درج بخشی از آیه ۷۱ سوره (ص) گوناگون در هر مقام بر کار گرد. چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: «آنی خالق بشرا من طین»	حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام بر کار گرد. چون کار به خلقت آدم رسید، گفت: «آنی خالق بشرا من طین»
ملفوظ: خدا انسان را آفرید تا امانت‌دار گنج معرفت او باشد. آنرا؛ اضافه تشبیه‌ی: گنج معرفت	این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه، که در گنج معرفت تعییه خواهم کرد.
ملفوظ: انسان خلیفة الله است.	تو را به حضرت می‌برم که از تو خلیفتی می‌آفریند
ملفوظ: نداشتن تاب و توان نزدیکی به خداوند	سوگند برداد به عزت و ذوالجلالی حق که مرا میر که من طاقت قرب ندارم و تاب آن نیارم.
ملفوظ: خوف از قرب الهی آنرا؛ تضاد: قرب و بعد	من نهایت بعد اختیار کردم، که قریبت را خطر بسیارست.
آرایه: کنایه: تن در ندادن ← نپذیرفتن	خدواندا تو داناتری، خاک تن در نمی‌دهد.
ملفوظ: عشق به سرعت به سمت خاک انسان آمد / عشق در سرش انسان است. آنرا؛ کنایه: دوابیه ← سریع / تشخیص: (دوابیه آمدن) عشق	عشق حالی دوابیه می‌آمد.
ملفوظ: بی خبری ملاذک از مقام والای انسان آنرا؛ کنایه: انگشت در دندان ماندن ← نهایت تحریر و تعجب	جملگی ملانکه را در آن حالت، انگشت تعجب در دندان تحریر بمانده که آیا این چه سیز است که خاک ذلیل را از حضرت عزت به چندین اعزاز می‌خوانند.

مفهوم و آرایه‌های ادبی	بیت / عبارت
خاک : عنایت خاص خداوند به انسان آرایه : تضاد: مذلت و عزّت / تشخیص: (نازک‌دن)	خاک در کمال مذلت و خواری، با حضرت عزّت و کبریایی، چندین ناز می‌کند و با این همه، حضرت غنا، دیگری را به جای او نخواهد و این بزرگی دیگری در میان ننهاد.
ملوک : غیر از خدا، کسی حکمت آفرینش انسان را نمی‌داند. آرایه : تضمن: درج بخشی از آیه ۳۰ سوره «بقره»	الطف الوهیت و حکمت روییت به سر ملائکه فرو می‌گفت: «أَنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟
ملوک : بی خبری ملاذک از عشق	معدورید که شما را سروکار با عشق نبوده است.
ملوک : خدا انسان را مانند آینه‌ای ساخت که نقش‌های فراوان از قدرت او را نشان می‌دهد. آرایه : استعاره (مصرحه): آینه ← وجود انسان - نقش‌های بوقلمون ← اتفاقات عجیب، جلوه‌های گوناگون	روزگری چند صبر کنید، تا من بر این یک مشتی خاک دستکاری قدرت بنمایم، تا شما در این آینه نقش‌های بوقلمون بینید.
ملوک : آفرینش انسان با عشق (ازلی‌بودن عشق) آرایه : اضافه تشییه: ایر کرم - باران محبت / جناس: دل و گل (ناقص) / سمع: گل (اول) و دل / تکرار: گل	پس، از ایر کرم، باران محبت، بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به بد قدرت در گل از گل، دل کرد عشق، نتیجه محبت حق است.
ملوک : آفرینش انسان با عشق (ازلی‌بودن عشق) آرایه : اضافه تشییه: شبتم عشق	از شبتم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
ملوک : آفرینش انسان با عشق (ازلی‌بودن عشق) آرایه : اضافه تشییه: سرنشتر عشق / تشخیص: (رج) روح	سرنشتر عشق بر رگ روح زندند یک قطره فروچکید و نامش دل شد
ملوک : ارزش انسان به دل و باطن اوست نه به جسم و ظاهرش (توجه کردن به باطن و دل انسان به جای ظاهر و تن او). آرایه : جناس: گل و دل (ناقص) / تضاد: منگرید و نگردید	در هر ذره از آن گل، دلی تعبیه می‌کرد و آن را به نظر عنایت، پرورش می‌داد و حکمت با ملاذکه می‌گفت: شما در گل منگرید، در دل نگردید
ملوک : جلوه خدا حتی سنگ را که نماد تغییرناپذیری و جمود است عاشق می‌کند. آرایه : کنایه: سوخته ← عاشق / نماد: سنگ ← هر چیز نرمی‌نапذیر	گر من نظری به سنگ برم، بگمارم از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم
ملوک : عاشق، معشوق را رها نمی‌کند. آرایه : کنایه: در دامن کسی آویختن ← رهانکردن او، متولّ شدن به او / تضاد: بگریزد و آویزد	اگر معشوق خواهد که ازو بگریزد، او به هزار دست در دامنش آویزد.
ملوک : جسم انسان از عشق گریزان است و دل و روان او شیفته عشق است. آرایه : تضاد: می‌گریختم و درمی‌آویزم / جناس: گل و دل (ناقص)	آن روز گل بودم، می‌گریختم امروز همه دل شدم، درمی‌آویزم.
ملوک : خدا انسان را مانند گنجینه‌ای از اسرار آفرید. آرایه : مجاز: آب و گل ← وجود آدمی / استعاره (مصرحه): گوهر ← معرفت و عشق	هم‌چنین، هر لحظه از خزانین غیب، گوهري، در نهاد او تعبیه می‌کردند، تا هر چه از نفایس خزانین غیب بود، جمله در آب و گل آدم، دفین کردند
ملوک : دل انسان از عالم بالاست و جلوه‌گاه معرفت الهی است. آرایه : جناس: گل و دل (ناقص) / اضافه تشییه: آفتاب نظر	چون نوبت به دل رسید، گل دل را از بھشت بیاورند و به آب حیات ابدی سرشنید و به آفتاب نظر، بپروردند.
ملوک : فقط دل انسان شایسته عشق الهی است.	چون کار دل به این کمال رسید، گوهري بود در خزانه غیب که آن را نظر خزانان پنهان داشته بود. فرمود که آن را هیچ خزانه لایق نیست، الأحضرت ما، یا دل آدم



مفهوم و آرایه‌های ادبی	بیت / عبارت
<p>مفهوم: فقط دل انسان شایسته عشق الهی است. آرایه: اضافه تشبیه‌ی: گوهر محبت صدی امانت معرفت / تلمیح: به آیه ۷۲ سوره احزاب (آیه امانت): «إِنَّا عَرَضْنَا الْأُمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَخْيَلُنَّهَا وَأَشْفَقُنَّ مِنْهَا وَخَفَلُهَا إِلَّا إِنَّهُ كَانَ ظَلَوْمًا جَهُولًا»</p>	<p>آن چه بود؟ گوهر محبت بود که در صدی امانت معرفت تعییه کرده بودند و بر مُلک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانهداری آن گوهر نیافتد.</p>
<p>مفهوم: تلمیح به بخشی از آیه ۳۷ سوره بقره: «وَعَلَمْ آدَمُ الْأَسْمَاءَ كُلُّهَا» آرایه: تلمیح به بخشی از آیه ۳۷ سوره بقره: «وَعَلَمْ آدَمُ الْأَسْمَاءَ كُلُّهَا»</p>	<p>اگر شما مرا نصی شناسید، من شما را می‌شناسم، باشید تا من، اسمی شما را یک به یک برشمارم.</p>
<p>مفهوم: ناتوانی شیطان در شناخت دل انسان / راهنمایش ابلیس در دل انسان آرایه: تشبیه: دل به کوشک (قصر)</p>	<p>چون ابلیس، گیرد قالب آدم برآمد، هر چیز را که بدید، دانست که چیست؛ اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت. هر چند که کوشید که راهی یابد تا به درون دل روید، هیچ راه نیافت.</p>
<p>مفهوم: با دل و عشق می‌توان بر شیطان غلبه یافت. / دل انسان، موردنظر خداوند است. آرایه: تضاد: سهل و مشکل</p>	<p>ابلیس با خود گفت: «هر چه دیدم، سهل بود کار مشکل این جاست. اگر ما را آفته رسداز این شخص، از این موضع تواند بود و اگر حق تعالی را با این قالب، سروکاری خواهد بود، در این موضع تواند بود.»</p>
<p>مفهوم: استعاره (مکنیت): دل ← خانه‌ای که در دارد.</p>	<p>[ابلیس] با صد هزار اندیشه نومید از در دل بازگشت.</p>
<p>مفهوم: ناتوانی شیطان از راهیافتن به دل انسان و درک عشق، علت مردودشدن اوست.</p>	<p>ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند، مردود همه جهان گشت.</p>
<p>مفهوم: در محضر خدای بخششده (یا انسان کریم)، نیازی به بیان کردن حاجت نیست. آرایه: استقہام انکاری: حاجت چه حاجت است؟ ← حاجت نیست.</p>	<p>ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست در حضرت گریم، تمثاً چه حاجت است</p>
<p>مفهوم: تهی دست بودن بهتر از بی‌ابرویی اظهار نیاز است. آرایه: مجاز: نان ← درآمد / تضاد: افزود و کلست - آبرو و مذلت / جناس: کاست و خواست (ناقص)</p>	<p>نام افزود و آبرویم کاست بینوایی به از مذلت خواست</p>
<p>مفهوم: ناز معشوق را خوشایندانستن / به واسطه عشق معشوق است که وجود عاشق خوشایند می‌شود. آرایه: جناس: ناز و نیاز (ناقص)</p>	<p>ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من تا ز تو دلپذیر شد هستی ناگزیر من</p>
<p>مفهوم: کسی که گرفتار غم معشوق نیست، محروم اسرار عشق نیست.</p>	<p>نیست جانش محروم اسرار عشق هر که را در جان، غم جانانه نیست</p>
<p>مفهوم: شیطان فقط ظاهر انسان را می‌بیند (نکوهش نگاه ظاهرینانه). آرایه: تضاد: دیو و آدم / مجاز: پسر ← انسان / استعاره (تصریح): دیو ← ابلیس / تلمیح: به آیه ۷۶ سوره (ص): «فَقَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ تَأْرِيقٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (شیطان) گفت: من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای.</p>	<p>تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین دیو، آدم را نبینند غیر طین</p>
<p>مفهوم: خدا انسان را گنجینه اسرار خود قرار داد و به او را زاها را آموخت.</p>	<p>«وَعَلَمْ آدَمُ الْأَسْمَاءَ كُلُّهَا: همه نامها را به آدم آموخت.»</p>
<p>مفهوم: پذیرفتن گنج معرفت الهی به عنوان امانتی سنگین توسط انسان / شانه خالی کردن آسمان و زمین و کوهها از پذیرش امانت الهی</p>	<p>«إِنَّا عَرَضْنَا الْأُمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلُنَّهَا وَأَشْفَقُنَّ مِنْهَا وَخَفَلُهَا إِلَّا إِنَّهُ كَانَ ظَلَوْمًا جَهُولًا» امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان، آن را بر دوش کشید. به درستی که او بسیار ستمگر و نادان بود.</p>

مفهوم و آرایه‌های ادبی	بیت / عبارت
ملوّم: درخواست جلوه‌کردن معشوق و سخن‌گفتن با او آرایه: تشبیه: رخ به باغ و گلستان - لب به قند / کنایه: لب شودن ← سخن‌گفتن / تناسب: باغ و گلستان - رخ و لب / استعاره (مصرحه): قند ← سخنان شیرین (در تعبیری دیگر به غیر از تشبیه لب به قند)	بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
ملوّم: درخواست جلوه‌کردن از معشوق آرایه: استعاره (مصرحه): آفتاب حسن ← معشوق / تناسب: آفتاب، تابان و مشعشع / کنایه: از ابر بیرون آمدن ← آشکارشدن / تضاد: آفتاب و ابر	ای آفتاب حسن بردون آدمی ز ابر کان چهره مشعشع تایانم آرزوست
ملوّم: دل پذیر بودن عتاب یار	گفتی ز ناز «بیش منجان مرا، برو» آن گفتنت که «بیش منجان» آرزوست
ملوّم: شکایت از همراهان بی‌هشت و آرزوی داشتن همراهانی سرآمد آرایه: کنایه: سست‌عنصر ← بی‌اراده و ناستوار - گرفتن دل ← ناراحتی و آزدگی خاطر - شیر خدا ← حضرت علی (ع) / تناسب: شیر خدا و رستم دستان	زین همراهان سست‌عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
ملوّم: در جست‌وجوی انسان حقیقی بودن آرایه: تلمیح: به داستان شخصی به نام «دیوجانس»، که نقل شده است کسانی او را دیدند که در روز با فالوس روشن می‌گردید، سبب پرسیدنده، گفت: «انسانی بی‌ربا می‌جویم» / تضاد: بین دیو و دد با انسان / استعاره (مصرحه): دیو و دد ← انسان‌های پلید	دی شیخ با چراغ همی‌گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
ملوّم: انسان حقیقی یافت نمی‌شود.	گفتند یافت می‌نشود جستایم ما گفت: «آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست»
ملوّم: یار در عین آشکاری پنهان است. آرایه: تلمیح: مصراع نخست به آیه ۱۰۳ سوره انعام: «لَا تَذْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ يَذْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ الْطَّيِّفُ الْخَبِيرُ» چشم‌ها او را در نمی‌بینند و اوست که دیدگان را درمی‌باید او الطیف آگاه است / کنایه: آشکار صنعت پنهان (کسی که صنعتش آشکار و خودش پنهان است) ← خداوند / تکرار: دیده / جناس: دیده [= چشم] و دیده [= دیده‌شده] (تام) / ایهام دیده (دوم) ۱ - چشم ۲ - دیده‌شده - موجود	پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

نکات دستوری

رسم الخط همزة

- همزة آغازین با تلفظ «آ - آ» همیشه به شکل «آ» نوشته می‌شود: اشک - اسم - أهم
- همزة پایانی بعد از حرف ساکن یا مصوت‌های بلند، روی خط زمینه (بدون کرسی) نوشته می‌شود: شنی - جزء - سو - ماء
- اگر پیش از همزة بی باید، همze به شکل «ئ / ئی» و اگر پیش از همزة بت باید، همze به شکل «ؤ» نوشته می‌شود: بیانمت - سؤال - مؤمن - مۇئىر - مؤاخذه
- اگر بعد از همزة، صدای /ا/ باید، همze به شکل «آ» نوشته می‌شود مگر در دو حالتی که در شماره ۳ به آن‌ها اشاره شد: آتی، قرآن، مار بوا
- اگر پیش از همزة ساکن یا مفتوح، بت باید، همze به شکل «ءآ» نوشته می‌شود: تائیر، تائز - مبدأ
- در سایر موارد و نیز در کلمات غیرعربی دخیل در زبان فارسی، همze به شکل «ئ» نوشته می‌شود: براقت - مسئول^۱ - هیئت^۲ - سئول - پروتئین

جهش ضمیر

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست	بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
باغ و گلستانم آرزوست جهش ضمیر ← باغ و گلستان آرزویم است.	
قند فراوانم آرزوست جهش ضمیر ← قند فراوان آرزویم است.	

۱. اگر بعد از همزة، مصوت بلند دو باید همze را به دو شکل می‌توان نوشت: «ئه»، «ؤه»: مسئول - مسئول
۲. اگر همزة، مفتوح و حرف پیش از آن ساکن باشد، همze را به دو شکل می‌توان نوشت: «ئه»، «ؤه»: هیئت، هیأت

بالان محبت

لغت و امثال

۱۵۴۷- همه کلمات مشخص شده در گزینه درست معنا شده است.

- (۱) جبرایل، چون ذکر سوگند شنید، به حضرت بازگشت. گفت: «خداؤندا، تو داناتری، خاک تن درنمی‌دهد. میکائیل را فرمود: «تو برو» او برفت.
- (۲) فرشته وحی، درگاه، رضا نمی‌دهد، فرشته صور
- (۳) عزراپل بیامد و به قهر، یک پیغمه خاک از روی جمله زمین پرگرفت و بیاورد عشق، حالی دوابه می‌آمد. (فلک‌الموت، سراسر، پوشاند، بمشتاب)
- (۴) آیا این چه سر است که خاک ذلیل را از حضرت عزت به چندین اعزام خوانند و خاک در کمال مذلت، با حضرت عزت و کربلا، چندین ناز می‌کند؟ (زیون، گرامی‌داشت، گمراهی، خداوند تعالی)
- (۵) الطاف الوهیت و حکمت روییت، به سر ملاکه فرومی‌گفت: «ای آعلم ما لا تعلمنون: شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟» (خداؤنده، الوهیت، باطن و قلب، زمان بی‌آغاز)

۱۵۴۸- «نیرنگ‌سازی، بینیازی، پیوره‌گاری، گونه‌ها، جاسازی» به ترتیب، معنای واژگان کدام گزینه است؟

- (۱) تلبیس، غنا، الوهیت، اصناف، تعییه
- (۲) تعییه، غنا، روییت، اصناف، تلبیس
- (۳) تلبیس، غنا، الوهیت، اصناف، تعییه

۱۵۴۹- واژه‌های «صنف، عنایت، مشخص، مذلت، طوع» به ترتیب یعنی

- (۱) گروه، لطف، تابان، فرمایگی، فرماینده، فرمانبرداری
- (۲) گونه، توجه، روشنایی، فرمایگی، فرمانبرداری
- (۳) نوع، اعتماد، درخشنان، خواری، اطاعت

۱۵۵۰- معنای همه واژه‌ها، در همه گزینه‌ها، به جز گزینه صحیح است.

- (۱) استحقاق، جلت، منزلت: شایستگی، بزرگ است، جاه
- (۲) اعزاز، رافت، متلاکی: بزرگداشت، شفقت، درخشان
- (۳) مقرب، خزینه، ملکوت: نزدیک‌شده، گنجینه، عالم غیب
- (۴) بعد، مشتبه، نفایس: دوری، دچار اشتباہ، چیز گرانیها

۱۵۵۱- معنای چند واژه در کمانک روپه‌روی آن درست آمده است؟

کوشک (هر بنای رفیع، مشتبه شدن (در اشتباه افتادن)، حضرت (آستانه، نشور (دشنه)، بوقلمون (هر چیز رنگارنگ)، تصرف (دستکاری)،

قبضه (یک دسته از هر چیزی)، سست‌عنصر (بی‌غیوت)، هیئت (دسته‌ای از مردم)، طین (سفال)، داد (جانور درنده)، بارهادن (Roxus و رود

دادن)، وسائط (آن‌چه که به مدد یا از طریق آن به مقصد می‌رسند)

- (۱) نه
- (۲) داده
- (۳) یازده
- (۴) دوازده

۱۵۵۲- در کدام گزینه، دو واژه نادرست معنا شده است؟

- (۱) سوال: درخواست، (ذوالجلالی: صاحب شکوه)، (اکراه: کسی را به ستم به کاری واداشتن)، (قربت: قرب)
- (۲) عزت: ارجمندگشتن)، (کرم: جود)، (مرصاد: کمین گاه)، (قهر: چیره‌شدن)
- (۳) خازن: گنجور)، (اختیار: برتری یافتن)، (مردوه: مطروف)، (ظلوم: بسیار ستمیده)، (دفین: زیر خاک کرده)
- (۴) طوف: گرد چیزی گردیدن)، (تحیر: سرگردان)، (اجرت: دستمزد)، (موقع: جای نهادن چیزی)

۱۵۵۳- در کدام بیت، معنای دو واژه مشخص شده یکسان است؟

- (۱) هر لحظه به دستان دل قومی بُنایی
- (۲) بر دوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم
- (۳) خواهی که برتخیزد از دیده رود خون
- (۴) دوش سیلان غمم تا به سر را تو بود



۱۵۵۴- «خواندن» در کدام ایيات، معنایی معادل با معنای این کلمه، در عبارت زیر دارد؟ آیا این چه سر است که خاک ذلیل را از حضوت عزت به چندین اعزاز می خوانند و خاک در کمال مذلت، با حضوت عزت، چندین ناز می کند؟

ز رویم راز پنهانی، جو می بینند، می خوانند
بدين درگاه حافظ را چو می خوانند، می رانند
یک روز نگه کن که براین کنگره خشتم
جهان را سراسر سوی داد خواند
بالاتوان خواند که سرو چمن است آن

(۴) الف - ب

(۳) ج - ه

الف) ز چشم لعل رفانی، جو می خندند، می بارند
ب) چو منصور از مراد آنان که بردارند، بر دارند
ج) چون مرغ براین کنگره تاکی بتوان خواند
د) همی پرخوشید و فریاد خواند
ه) عارض نتوان گفت که دور قمر است این

(۱) الف - ه (۲) د - ب

۱۵۵۵- معنای فعل مشخص شده در کدام گزینه با سایر گزینه ها متفاوت است؟

گفت آن روز که این گنبد میتا می کرد
خواهد شکست سنگ جفاایت به سوی من
چو مردان بیان بست و کرد آن چه گفت
مرغ کان عیسی کند، بس خوار باشد پیش خور

(۱) گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم؟
(۲) روزی که چرخ ز آب و گل من سیو کند
(۳) شنیدم که شبها ز خدمت نخت
(۴) مرغ کان ایزد کند، چون مهر پرید برسپهر

۱۵۵۶- در کدام گزینه، معنای دو واژه مشخص شده یکسان است؟

قبضه داند بر سر خود به ز افسر تیغ را
از قبضه شیطان بستانید عنان را
تا نفس باب سؤال است غنا دریمدر است
به منزل رسید هر که جویید دلیل
قد تو سرو و میان موی و بر به هیئت عاج
نیشکر گفت کمر بسته اینک به غلامی
شیر خدا و رستم دستام آرزوست
آری به اتفاق جهان می توان گرفت

(۱) زینت هر کس به قدر اقتضای وضع اوست
زان پیش که جانان بستاند ملک المولت
(۲) ترک هستی کن و از ذات حاجت به در آی
سؤالت صواب است و فعلت جمیل
(۳) لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است
مگر از هیئت شیرین تو می رفت حدیثی
(۴) زین همراه سست عناصر دلم گرفت
خست به اتفاق ملاحت جهان گرفت

۱۵۵۷- رابطه معنایی میان جفت واژه های گزینه تماماً یکسان است.

- (۱) قرب و بند، (اجبار و اختیار)، (اعزار و اذلال)، (ظلم و جهول)
- (۲) مردود و مقبول، (اسرافیل و ملانکه)، (عزم و مذلت)، (دیو و ذد)
- (۳) مشتعش و متلاکی، (کاھل و سست)، (الوهیت و ریوبیت)، (حضرت و پیشگاه)
- (۴) تاب و طاقت، (سهول و صعب)، (طوف و کبه)، (نشتر و رگ)

۱۵۵۸- در متن زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟

روح نازین آدمی که چندین هزار سال در جوار قرب رب العالمین به صد هزار ناز و اعزاز، پرورش یافته بود، از آن وحشت ها که دید نیک مستوحش گشت، قدر انس و غربت حضوت عزت که تا این ساعت نمی داشت، بدانست. نعمت وصال را که همیشه مستغرق آن بود و ذوق آن نمی یافت و حق آن نمی شناخت، بشناخت. آتش فراغ در جانش مشتعل شد و شوق رجوع به حضوت بر وی غالب شد، درحال خواست که از آن وحشت آشیان بازگردد.

(۴) یک

(۳) دو

(۲) سه

(۱) چهار

۱۵۵۹- در متن «هر فرمانی که از بارگاه ازل سوی کارگاه اهل به سفارت طاووس ملاتکه صادر گشتی، آن صدر با غدر بل آن بدر هر صدر، پیش از ادای وحی همی خواندی تا برای اعجاز و اعزاز کلام نامخلوق فرمان آمد». چند غلط املایی یافت می شود؟ (سراسری تبریزی ۱۹۷۰)

(۴) چهار

(۳) سه

(۲) دو

(۱) یک

۱۵۶۰- در چند بیت از ایيات زیر، واژه مشخص شده از نظر املایی غلط است؟

فضل از غریب هست و وفا در قریب نیست
جو رخ بنمود عذر جرم ها خواست
نیستی و غریب و آوارگیست
خوار است گل تو سوی اشتر که خورد خار
کرد لشکر جمع از بهر غرا

(۴) چهار

(۳) سه

(۲) دو

(۱) یک

الف) بگریست چشم دشمن من برو حدیث من
ب) گر از معشوق صد جور و جفا خاست
ج) وصف عاشق رُلت و بیچارگیست
د) گر حکمت نزدیک تو خوار است عجب نیست
ه) حاکم آن مَلک روزی از قضا

۱۵۶۱- در کدام عبارت غلط املایی دیده می‌شود؟

- (۱) در خلقت آدم، به اختصاص سری تعییه افتاد که موجودات در آفرینش بیان سر برود، و این خود هنوز تشریف قالب آدم است که عالم صغیر است به نسبت با عالم کبری.
- (۲) حاجت ملوک به کافیان ناصح که استحقاق محرومیت اسرار دارند همه مقصر است، و انتفاع از بندگان وقتی می‌شود گردد که ذات ایشان به عفاف و صلاح آراسته باشد و ضمیر به حق گزاری.
- (۳) قلندرپوشان تشنۀ طلب را سکندروار به قسم صدق، سلوک راه ظلمات صفات بشری می‌شود گردانید، و به عنایت بی‌علت خضرصفتان سوخته‌چگر آتش محبت را به سرچشمه آب حیات معرفت رسانید.
- (۴) چون پادشاه حکیم و عالم باشد، در همه کارها مظفر و منثور شود و به هر جانب که روی نهد، فتح و ظفر و اقبال در قبای او می‌رود و همیشه گوش به آواز موکب او می‌دارند و دشمنان را مقهور بدو می‌سپارند.

۱۵۶۲- کدام گزینه قاد غلط املایی است؟

- (۱) علام گویند: «سمت گندزیانی اولی تر از فصاحت به فحش است و مزلت درویشی نیکوتراز عزّ توانگری از کسب حرام»
- (۲) روح آدمی را حالت مفارقتی از غالب وی می‌باشد تا در آن حالت، آلایشی را که از صحبت اجسام حاصل کرده است، به تدریج بگذارد و از حضرت عزت برخوردار معرفت و قربت شود.
- (۳) با ایشان گفته‌ند ما صیادی را در شکارگاه عزل صید کرده‌ایم، بدین دامگاه خواهیم آورد «آنی جاعل فی الأرض خليفة» تا با شما نماید که صیادی، چون کنند!
- (۴) صفائی قلب و خلوص خواسته ما امری نیست که برای ملک والامنزالت مشتبه ماند و بی‌شک، اتفاق ما از روی دلخواه بوده نه از روی اکرام.

۱۵۶۳- در کدام گروه از کلمات زیر، غلط املایی بیشتری به چشم می‌خورد؟

- (۱) عزت و ذوالجلالی حق - طوع و رغبت - تحریر و تعجب - سست عنصر و کاحل - ابلیس پرتلبیس
- (۲) مذلت خواست - رافت و شفعت - قهر و غلبه - اکراه و اختیار - اسرار باطن و غلب
- (۳) غنا و استغنا - تعییه و جاسازی - استحقاق خزانگی - آویختن و متوضل شدن - صورت مشعشع
- (۴) سوره احزاب - متلاطی و تابان - میکاعیل و اسرافیل - الطاف الوهیت - قرب و تقرب

فرمات معنایی

۱۵۶۴- کدام بیت با عبارت «حق - تعالی - چون اصناف موجودات می‌آفید، وسائط گوناگون در هر مقام بر کار کرد. چون کار به خلقت آدم

رسید، گفت: «آنی خالق بشّراً مبنی طین ارتباط مفهومی دارد؟

- (۱) پرده‌ها را این زمان برداشتمن
- (۲) چون گل برآورم ز گربان خاک سر
- (۳) ای برترین مقام ملائک بر آسمان
- (۴) خاک چهل صباح سرشی به دست صنع

۱۵۶۵- مفهوم عبارت زیر با کدام بیت متناسب است؟

- «جبرئیل برفت، خواست که یک مشت خاک بردارد. خاک گفت: «ای جبرئیل، چه می‌کنی؟» گفت: تو را به حضرت می‌برم که از تو خلیفتی می‌آفیدند»
- (۱) تانت همچو جان نگردد پاک
 - (۲) گر نبودی ز وی عنایت پاک
 - (۳) بر فلک آخر نخواهی رفت ای مشت غبار
 - (۴) بی روانی شریف و جانی پاک

۱۵۶۶- عبارت «سوگند برداد به عزت و ذوالجلالی حق که مرا میر که من طاقت قرب ندارم و تاب آن نیارم» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- (۱) طاقت چرخ از زمین چون بیش بود
- (۲) اگر در حضرت او قرب یابی
- (۳) شوق است در جدایی و جور است در نظر
- (۴) خورشید جهان تابی و من ذرّة خاکی

۱۵۶۷- عبارت «این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه، که درو گنج معرفت تعییه خواهم گرد.» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) هر گوهر معرفت که اندوخته است
- (۲) گر معرفت خدای خود می‌طلبی
- (۳) بسی الطاف و احسان کرده حیرانم چه دید از من
- (۴) ز آفرینش عالم غرض جز آدم نیست

(سراسری هفت آم)
۱۵۶۸- مفهوم عبارت «من نهایت بعد اختیار کودم، که قربت را خطر بسیارست.» با مفهوم کدام بیت تناسب دارد؟

دورینی صفت عاقل دوراندیش است
خنده بر ناله مرغان چمن نتوان کرد
خطر در منزل اینجا بیشتر از راه می‌باشد
نور خورشیدی به خاک تیرهای مایل چرا؟

- (۱) عاشق اندیشه دوری نتواند کردن
- (۲) ای که بر آتش گل داشتهای دست از دور
- (۳) ز دوری بیش، وصل دلیران جانکاه می‌باشد
- (۴) منزلت عرش حضور است و مقامت اوج قرب

۱۵۶۹- مفهوم عبارت زیر در کدام بیت، مشهود است؟
«الطف الوهیت و حکمت روییت به سر ملایکه فرومی گفت: إِنِّي أَخْلَمُ مَا لَا تَقْعُدُونَ» شما چه می‌دانید که ما را با این مشتی خاک از ازل تا ابد چه کارها در پیش است؟

به هر صورت همی‌گفتم من آنم
چه صورت می‌کشی بر من تو دانی من نمی‌دانم
چو برقیری عاصاً گردم چو افکنیدم تعیام (تعیام: ازدها هستم)
نمی‌دانم همین دانم که من در روح و ریحانم

- (۱) به صد صورت بیدیدم خویشن را
- (۲) خداوند خداوندان و صورت‌ساز بی‌صورت
- (۳) بیا ای جان تویی موسی و این قالب عصای تو
- (۴) اگر من جنس ایشانم و گر من غیر ایشانم

۱۵۷۰- مفهوم ریاعی زیر با کدام گزینه مطابقت دارد؟
«از شبین عشق خاک آدم گل شد
سونشت رو عشق بر رگ روح زند
۱) ز شور عشق نمک در خمیر من انداخت
۲) تا گل رخسار تو بشکفت در باغ وجود
۳) کدامین نعمت الوان بود در خاک غیر از خون؟
۴) دلم از عشق تو شد قطرهای و آن هم خون

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
یک قطره فروچکید و نامش دل شد
به دست لطف عزیزی که می‌سرشت مرا
عشق بازان را چوبلبل کار با برگ و نواست
ز خجلت برئی دارد فلک سرپوش این خوانها
تنم از مهر تو شد ذهای و آن هم هیچ

- (۱) «نعمت الله» به صورتش منگر
- (۲) آن را که به سر شور و به دل کیفیتی نیست
- (۳) از داغ عشق جن و نلک را نصیب نیست
- (۴) وقف عشقش ساز ملک جان و دل

۱۵۷۱- عبارت «و حکمت با ملایکه می‌گفت: شما در گل منگرید؛ در دل بنگرید.» با کدام گزینه تناسب مفهومی دارد؟
معنی اش بین که عین نور خداست
گر هست هزارش هنر انسانیتی نیست
این مه ز مشرق دل انسان برآمده
تخته دل شو ز نقش آب و گل
۱) چو انسان را نباشد فضل و احسان
۲) باطن این خلق کافرکیش با ظاهر منج
۳) چشم ابلیسانه را یک دم بیند
۴) ز شیطان هیچ نگشاید تو را کار

- (۱) چو انسان را نباشد فضل و احسان
- (۲) باطن این خلق کافرکیش با ظاهر منج
- (۳) چشم ابلیسانه را یک دم بیند
- (۴) ز شیطان هیچ نگشاید تو را کار

۱۵۷۲- مفهوم کدام گزینه با بیت «تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین / دیو، آدم را نبیند غیر طین» قرابت دارد؟
که تو چو گوهری و دلبران دیگر سنگ
اول از سنگ ملامت افکند بنياد او
که آرمیده بود تا شوار در سنگ است
به معشووقی زند در گوهری چنگ
۱) سزد که وزن نیارد به نزد گوهر سنگ
۲) عشق در هر دل که سازد بهر دردت خانهای
۳) حضور سوخته عشق در دل تنگ است
۴) اگر عشق اوفت در سینه سنگ

- (۱) چون ماهی به شستم در دامم و به دستم
- (۲) تا سر نکنم در سرت ای مایه ناز
- (۳) از شش چهت گرفته سر راه سیر ما
- (۴) با جمله برآمیزی و از ما بگریزی

۱۵۷۳- مفهوم بیت «گر من نظری به سنگ بر، بگمارم / از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم» با مفهوم کدام بیت همتناسب است؟
با آن که از کف او بسیار می‌گریزم
کوتنه نکنم ز دامنت دست نیاز
ما را ز دست عشق تو پای فرار نیست
جرم از تو نباشد گنه از بخت رمیده است
۱) آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق

- (۱) آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق
- (۲) آدمی گر خون بگرید از گران‌باری رواست
- (۳) هر که را گویند باشد نوبتی در آسیا
- (۴) سخن که مبتدل افتاد آسمانی نیست

(سراسری زبان آم)
۱۵۷۴- کدام بیت با عبارت «اگر عشقون خواهد که ازو بگریزد، او به هزار دست در دامنش آویزد.» همتناسب است؟
خرمن مه به جوی، خوشة پروین به دو جو
کآن چه نتوانست بردن آسمان بر دوش اوست
آسمان چون نوبت ما را فرامش کرده است؟
چو شمع، حرف کسی بر زیان نمی‌باشد

- (۱) آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق
- (۲) آدمی گر خون بگرید از گران‌باری رواست
- (۳) هر که را گویند باشد نوبتی در آسیا
- (۴) سخن که مبتدل افتاد آسمانی نیست

۱۵۷۶- کدام بیت با بیت «ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست / در حضوت کریم، تمناً چه حاجت است؟» قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) از حد خود زیاده اگر می‌کنم طلب
- (۲) ریزش ابر نباشد به فشردن موقوف
- (۳) سؤال را گره جبهه قفل لب گردد
- (۴) لب به حاجت وا مکن ساز غنا این است و پس

۱۵۷۷- مفهوم کدام گزینه با بیت «نانم افزود و آبرویم کاست / یعنیای به از مذلت خواست» متناسب است؟

- (۱) معیار دوستان دغله روز حاجت است
- (۲) بی لبگشودن از ابر گوهر صدف نیابد
- (۳) چو حافظ در قناعت کوش وز دنی دون بگذر
- (۴) ز شرم تنگیست از گربان بیناره سر

۱۵۷۸- بیت «نیست جانش محروم اسرار عشق / هر که را در جان، غم جانانه نیست» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- (۱) شب فراق که داند که تا سحر چند است
- (۲) هر که را بی خبر افتاد ز پیمانه عشق
- (۳) هر که در آتش نرفت بی خیر از سوز ماست
- (۴) تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی

۱۵۷۹- عبارت «سوگند برداد به عزت و ذوالجلالی حق که مرا میر که من طاقت قرب ندارم و تاب آن نیارم» با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟

- (۱) معمورم اگر نیست شکیم به جدای
- (۲) هر چند به حق قرب تو مقدور نیاشد
- (۳) گر بود شوق حرم بعد منازل سهل است
- (۴) چو هست قرب حقیقی چه غم ز بعد مزار؟

۱۵۸۰- همه گزینه‌ها، به جز گزینه با بیت «از شبتم عشق خاک آدم گل شد / صد فتنه و شور در جهان حاصل شد» تقارن مفهومی دارند.

با آب و تاب عشق سرشتند خاک ما
قابل تغییر نبود آن‌چه تعیین کرده‌اند
از عدم ما تحفه درد عشق را آورده‌ایم
کاندر ازلم حرز تو بستند به بازوی

- (۱) در بد و آفرینش و تخریب آب و گل
- (۲) ساقیا می‌ده که با حکم ازل تدبیر نیست
- (۳) ما و مجنون در حقیقت ناله یک پرده‌ایم
- (۴) بیرون نشود عشق توام تا ابد از دل

۱۵۸۱- مفهوم آیة «أَنَّا عَزَّزْنَا الْأَنْفَافَ عَلَى السُّنُنِ وَالْأَرْضِ وَالجِبَالِ فَإِنَّمَا يَحْمِلُهَا وَأَشْفَقَ وَنَهَا وَخَفَّلَهَا إِلَسَانٌ أَنَّهُ كَانَ ظَلْوَماً جَفْوَلاً» در کدام بیت دیده می‌شود؟

(سراسری فارج از کشور ۸۷)

گل آدم برسشند و به پیمانه زند
با من راه‌نشینی باده مستانه زند
قرعه کار به نام من دیوانه زند
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زند

- (۱) دوش دیدم که ملاتک دی میخانه زند
- (۲) ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت
- (۳) آسمان بار امانت نتوانست کشید
- (۴) جنگ هفتاد و دو ملت همه را عنز بیه

استاده‌ام چو شمع متراسان ز آتشم
در بادیه و وادی خون‌خوار بلالد؟
هشدار که بی‌پا نتوان ره به عصا رفت
که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

- (۱) در عاشقی گزیر نباشد ز ساز و سوز
- (۲) در وصل حرم کی رسد آن کلو ز حرامی
- (۳) مقدوری اگر نیست چه حاصل ز هدایت؟
- (۴) کسی به وصل توچون شمع یافت پروانه (اجازه)

۱۵۸۳- مفهوم کدام گزینه با مفهوم عبارت زیر متناسب است؟

«الطاف الوهیت و حکمت روییت به سر ملایکه فرومی‌گفت: شما چه دانید که ما را با این مشتی خاک از ازل تا ابد چه کارها در پیش است؟

معدورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است.»

کان چیز که جز عشق بود عین مجاز است
گر فرشته است خاک بر سر او
قال و مقال عالمی می‌کشم از برای تو
عین آتش شد از این غیرت و برآمد زد

- (۱) بی عشق مسفر نشود ملک حقیقت
- (۲) هر که چون خاک نیست بر در او
- (۳) من که ملول گشتمی از نفس فرشتنگان
- (۴) جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت



.....
(سراسری زبان +۱۸۵)

این مه ز مشرق دل انسان برآمده
این دو خصلت در جهان مخصوص انسان است و بس
بخواه جام و گلابی به خاک آدم ریز
کاند آن جا طینت آدم مخفر می‌گند

-۱۵۸۴- مفهوم کدام گزینه با سایر ایيات تفاوت دارد؟

- (۱) از داغ عشق جن و ملک را نصیب نیست
- (۲) نیست در جن و ملک سودای عشق و ذوق طبع
- (۳) فرشته عشق نداند که چیست ای ساقی
- (۴) بر در میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی

-۱۵۸۵- مفهوم عبارت «حضرت جلت به خداوندی خویش در آب و گل آدم چهل شباروز تصوف می‌کرد». با همه ایيات بهجز بیت متناسب است.

اگر چند بی‌دست‌پایند و زور
به دست خود از راه حکمت نوشت
روان را خرده بخشد و هوش و دل
که گل‌مهرهای چون تو پرداخته است

- (۱) مهتیاگین روزی مار و سور
- (۲) گل پیکرت را چهل بامداد
- (۳) بدیعی که شخص آفریند ز گل
- (۴) دو صد مهره بر یکدگر ساخته است

-۱۵۸۶- کدام بیت از نظر مفهوم از سایر ایيات دور است؟

- (۱) ای دل به قدر خواهش در چشم خلق خواری
- (۲) شرم دار از فضولی حاجت
- (۳) احسان بی‌سؤال زبان‌بند خواهش است
- (۴) آبرو با عرض مطلب جمع نتوان ساختن

-۱۵۸۷- مفهوم کدام بیت با سایر ایيات تفاوت دارد؟

- (۱) در ریاض آفرینش چون دو سرو توأمند
- (۲) تا اید سلطان اقلایم دلیم
- (۳) فکر «صفاب» گرچه نازک بود از روز ازل
- (۴) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست

-۱۵۸۸- مفهوم کدام بیت از مفهوم مشترک سایر ایيات دور است؟

- (۱) دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت?
- (۲) آن یار که عهد دوستداری بشکست
- (۳) آن که از جان دوست‌تر می‌داریم
- (۴) هله تا ظن نبری کز کف من بگیری

-۱۵۸۹- مفهوم کدام بیت با مفهوم عبارت زیر مرتبط است؟

«همچنین، هر لحظه از خزانین غیب گوهری، در نهاد او تبیه می‌کردند، تا هر چه از نفایس خزانین غیب بود، جمله در آب و گل آمد، دفین کردند.»
ور خود از تخته (زناد) جمشید و فریدون باشی
که رخ به خون جگر شسته لاله می‌آید
تا روی در این عالم ویرانه نهادیم
گوهر اندر خاکدان نتوان نهاد

- (۱) تاج شاهی طلبی گوهر ذاتی بنمای
- (۲) چه ماتم است ندائم نهفته در دل خاک
- (۳) سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد
- (۴) مهر تو بر دیگران نتوان نهاد

-۱۵۹۰- مفهوم کدام گزینه با سایر ایيات تفاوت دارد؟

- (۱) خاکی‌ای را که یافت پایه عشق
- (۲) نداشت طاقت این بار آسمان و زمین
- (۳) پیر صاحبدل ما گفت: از این رمز خموش
- (۴) فلک خمیده نگاهش به من که با تن چون دوک

-۱۵۹۱- مفهوم کدام بیت با سایر ایيات متفاوت است؟

- (۱) به مستی توان نز اسرار شفت (سوراخ کرد)
- (۲) به مسته‌وران مگو اسرار مستی
- (۳) ملامت‌گو چه دریابد میان عاشق و معشوق
- (۴) برو ای زاهد خودبین که ز چشم من و تو

-۱۵۹۲- بیت «بنمای رخ که باغ و گلستان آرزوست» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

که داغ حسرت آرد بار باغ آرزومندی
بی‌باده بهار خوش نباشد
تا با درخت گل بنشینم به بوی دوست
که آب گل ببرد تا به یاسمن چه رسد

- (۱) نهال آرزو در سینه منشان گر خردمندی
- (۲) گل بی رخ یار خوش نباشد
- (۳) خاطر به باغ می‌رودم روز نوبهار
- (۴) که دید رنگ بهاری به رنگ رخسار؟

۱۵۹۳- مفهوم کدام بیت با مفهوم بیت «ای آفتاب حسن برون آدمی ز ابر / کان چهره مشعشع تابانم آرزوست» متناسب است؟

- (۱) رخ چه پوشی چون حدیث حسن تو پنهان نماند
- (۲) نیست از مهر رخت خالی وجودم ذرا
- (۳) بسازای که بی روی تو ای شمع دل افروز
- (۴) در ابر از آفتاب توان فیض بیش برد

۱۵۹۴- مفهوم کدام بیت از مفهوم مشترک سایر ایيات، دور است؟

- (۱) ز چهره پرده برافکن که با رخ تو مرا
- (۲) شب عاشقان بیدل چه شبی دراز باشد
- (۳) به نیم شب اگر آفتاب می باید
- (۴) ایا باد سحرگاهی گر این شب روز می خواهی

۱۵۹۵- بیت «گفتی ز ناز بیش منجان مرا برو / آن گفتنت که «بیش منجان» آرزوست» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- (۱) آمدام که سر نهم عشق تو را به سر برم
- (۲) اوست نشسته در نظر من به کجا نظر کنم
- (۳) آن که ز خم تیر او کوه شکاف می کند
- (۴) گفتم آفتاب را گر بیری تو تاب خود

۱۵۹۶- بیت «زین همراهان سست عناصر دلم گرفت / شیر خدا و رستم دستانم آرزوست» با کدام بیت هم مفهوم است؟

- (۱) از زاهدی و زهد ریایی دلم گرفت
- (۲) چشم دلسوزی مدار از همراهان روز سیاه
- (۳) ملول از همراهان بودن طریق کارانی نیست
- (۴) از هشت سرمستان بردار «حزین» خضری

۱۵۹۷- بیت «دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست» با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- (۱) دیسوی و ددی و ملکی، انسانی
- (۲) آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست
- (۳) به صورت‌های نیکو مردمان اند
- (۴) دیو اگر گردن طاعت نتهد انسان را

۱۵۹۸- بیت «پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست / آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست» با کدام بیت هم مفهوم است؟

- (۱) ای که پیش تو راز پنهانم
- (۲) ای آشکار پیش دلت هر چه کردگار
- (۳) هم قصه‌نامه‌وده دانی
- (۴) جهان جمله فروغ روی حق دان

آرایه‌ای اولی

۱۵۹۹- در کدام گزینه آرایه «سجع» به کار نرفته است؟

- (۱) الهی! من چه دانستم که این باب چه باب است و قضه دوستی را چه جواب؟
- (۲) دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند.
- (۳) من چه دانستم که آن مهربان چنان بردبار است که لطف او، گنهکاران را بی‌شمار است.
- (۴) آن ذوالجلال چنان بندمنوار است، ولی دوستان را بر او ناز است.

۱۶۰۰- همه آرایه‌ها به جز آرایه در عبارت زیر وجود دارد.

«گفت: در آن جا صد هزار دریای آتشین دیدمی بینهایت، اگر به اول دریا قدم نهادمی، خود را بر باد دادمی.»

- (۱) کنایه
- (۲) پارادوکس
- (۳) تشخیص
- (۴) سجع

۱۶۰۱- در همه عبارات به جز عبارت هر دو آرایه «تشییه» و «سجع» وجود دارد.

- (۱) دانست که دل آویخته اوست و این گرد بلا انگیخته او
- (۲) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده.
- (۳) درویشی را شنیدم که در آتش فاقه (فقر) می‌سوخت و رقه بر خرقه همی دوخت.
- (۴) یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول (تعذی) به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده.



(سراسری هنر ع۶)

۱۶۰۲- در همه گزینه‌های زیر به جز «استعاره» از نوع تشخیص وجود دارد.

شکوه دیگر و راز دگر داشت
تو پنداری که پاورچین گذر داشت
بلم (قالیق) می‌راند و جانش در بلم بود
گرفتار دل و بیمار غم بود
دو زلفی نرم‌ترمک تاب می‌خورد
سرانگشتش به چین آب می‌خورد
چه خوش بی (بود) مهربونی از دو سر بی
که یک سر مهربونی در دسر بی

- (۱) شفق بازی کنان در جنبش آب به دشتی پرشقایق باد سرمست
- (۲) چوان پاروزنان بر سینه موج صدا سر داده غمگین در ره باد
- (۳) درون قایق از باد شبکه زنی خمگشته از قایق بر امواج نسیمی این پیام آورد و بگذشت جوان نالید زیر لب به افسوس:

۱۶۰۳- در کدام گزینه آرایه «متناقض‌نامه» به کار نرفته است؟

هم به کفر خود و ایمان من اقرار آورده
کند درد تو درمانی، کند زهر تو تراویق (تراویق: یادزمر)
پاسخم گو به نگاهی که زبان من و توست
زهی دیوانه عاقل که در بندی چنان باشد

- (۱) منکر باده پرستان لب لعلت چو بدید
- (۲) به دردی کن دوای من که بیماران عشقت را
- (۳) گوش کن با لب خاموش سخن می‌گوییم
- (۴) اسیر بند گیسویت، کجا در بند جان باشد؟

۱۶۰۴- در کدام بیت «وجه‌شیه» محفوظ است؟

ستاره خون شود از چشم آسمان یچکد
تا به کویش چون نیم افتاب و خیزان بوده‌ام
نه ساز رفتمن است آن‌جا مرا نه برگ نارفتن
گردد خود فردی از آن تراومنی چون آسیا

- (۱) ز شرم چهره چون آفتابت اندر صبح
- (۲) ناتوان بودم به بویش، نیم‌شب برخاستم
- (۳) مقام کعبه وصل تو دور افتاده است از ما
- (۴) آتشین داری زبان زان دل‌سیاهی چون چراغ

۱۶۰۵- آرایه نوشته شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

کلوجاندار را پاداش سنگ است (ارسال‌المطلب)
زان چرخ زنان است که این بار نداره (تلخی)
میان روضه (بهشت) برخیزی، قیامت آن زمان باشد (جناس)
به من شکسته آخر، نظرت چرا نباشد؟ (ایهام)

- (۱) به خود گفتار جواب است این نه جنگ است
- (۲) بر دوش من افکند فلک، بار امانت
- (۳) تو حوری چهره فردای قیامت گر بدین قامت
- (۴) به شکستگان شنیدم که همی‌کنی نگاهی

(سراسری ریاضی ع۶)

۱۶۰۶- در کدام بیت بعضی از آرایه‌های ذکر شده در مقابل آن، به کار نرفته است؟

این چنین ساکن روان که منم (کنایه - پارادوکس)
زین در نتواند که تزد باد غبارم (تشخیص - تشیه)
ریزی ز راز مهرت در جان چرا ندارم؟ (جناس - تشیه)
ما هم از دام تو دوریم و هم از دم فارغیم (جناس - مجاز)

- (۱) کی شود این روان من ساکن
- (۲) دامن مفشار از من خاکی که پس از من
- (۳) سوزی ز ساز عشقت در دل چرا تغیرد؟
- (۴) چند دام از زهد سازی و دم از طاعت زنی

۱۶۰۷- کدام گزینه به ترتیب بیان‌گر آرایه‌های موجود در ایات زیر است؟

اگر بادی وزد ناگه، گذارد رو به ویرانی
چو اسماعیل باید سرنهادن روز قربانی
چرا چون طفل کودن زین دیبرستان گریزانی؟ (قرآن)
تو دیگر کی توانی عیب کار خود بپوشانی؟
(۲) تلمیح - تلمیح - تشیه - تضاد
(۳) کنایه - تشیه - تشیه - متناقض‌نما

- (الف) یکی دیوار ناستوار بی‌پایه است خود کامی
- (ب) مترس از جان‌فشنی گر طریق عشق می‌پویی
- (ج) تو را فرقان، دیبرستان اخلاق و معالی شد
- (د) چو شمع حق برافروزند و هر پنهان شود پیدا
- (۱) کنایه - تضمین - استعاره - پارادوکس
- (۳) تشیه - تلمیح - استعاره - تشیه

۱۶۰۸- کدام گزینه، تماماً بیان‌گر آرایه‌های بیت زیر است؟

باد اگر بر من وزد، بی بوى او بادم حلال

- (۱) تضاد - مجاز - جناس همسان - جناس ناهمسان
- (۲) تضاد - پارادوکس - استعاره - کنایه
- (۳) تناسب - تشیه - جناس همسان - تضاد
- (۴) جناس ناهمسان - تشخیص - مجاز - کنایه

۱. در دیوان خاقانی به جای «ریز» در «زمز» آمده است: رمزی ز راز مهرت در دل چرا ندارم؟

۱۶۰۹- هر دو آرایه نوشته شده در مقابل کدام گزینه درست است؟

- (۱) برای تلخی عیش حسود و شادی دوست
 (۲) آفتایی است که از برج شرف می‌تابد
 (۳) تا کی آخر خاطر اندر بند هجران داشتن؟
 (۴) درد محبتی اگرت در درون بود
 (۵) زنها را جز به داغ جینش دوا مکن (تضاد - تشخیص)
 (۶) ترتیب آرایه‌های «واج آرایی، تشبیه، اغراق، تناقض‌نما، مجاز» در کدام گزینه درست است؟

- (۱) الف - ج - د - ه - ب (۲) ه - الف - ب - د - ج (۳) الف - ب - ج - د - ه (۴) د - ج - ب - ه - الف
 (۵) الف - ج - د - ه - ب (۶) ه - الف - ب - د - ج (۷) الف - ب - ج - د - ه (۸) ه - الف - ب - د - ج
 (۹) ه - الف - ج - د - ه - ب (۱۰) الف - ج - د - ه - ب (۱۱) الف - ج - د - ه - ب (۱۲) الف - ج - د - ه - ب

۱۶۱۱- آرایه‌های بیت «تو گذشتی جان رود از ذهن خاک عطشناک / باع از بارش سبز ایثار تو گشته سیراب» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- (۱) تشبیه - کنایه - حس‌آمیزی - ایهام
 (۲) تضاد - تناقض - مراعات نظری - جناس
 (۳) حس‌آمیزی - استعاره - تشبیه - تضاد

۱۶۱۲- آرایه‌های «تلمیح، تناقض، تضاد، جناس و کنایه» به ترتیب در کدام ایيات آمده است؟

- (الف) گر نیاشد بوسه شیرین، پیام تلخ هم (ب) بهر تسکین دل افیدوار ما بس است
 (ب) طفل را حال پدر آینه عبرت‌نماست (ج) گوش‌مالی آدم از بهر بنی‌آدم بس است
 (ج) بی‌گناهی کم گناهی نیست در دیوان عفو (د) ای عزیزان جرم یوسف، پاک‌داهانی بس است
 (د) قهر خاموشی ز آفت‌ها، حصار ما بس است (ه) قهر خاموشی ز آفت‌ها، حصار ما بس است
 (ه) بعد از این دوران شهرت از سفالین جام ماست (ت) تا به کی در دور باشد نام جام جم، بس است

- (۱) الف - ج - د - ه - ب (۲) ج - د - ب - ه - الف (۳) ه - ج - د - ب (۴) ب - ج - الف - ه - د

● زبان فارسی

۱۶۱۳- در کدام گزینه، واژه «دیگر» وابسته پسین است؟

- (۱) نه به خود می‌رود گرفته عشق
 (۲) من از بیگانگان دیگر ننالم
 (۳) فکر بپیو خود ای دل ز دری دیگر کن
 (۴) ما زنده به ذکر دوست باشیم

۱۶۱۴- مجھول افعال «می‌کارد، داشت می‌آمود، می‌پرداخت، فریفته است، پستاید» به ترتیب کدام است؟

- (۱) کاشته می‌شود - داشت آموده می‌شد - پرداخته می‌شود - فریفته شد - ستوده شود
 (۲) کاشته می‌شود - داشت آموده می‌شد - پرداخته می‌شود - فریفته شده است - ستوده شود
 (۳) کاشته می‌شد - داشت آموده می‌شد - پرداخته شد - فریفته شده است - ستوده شد
 (۴) کاشته می‌شود - آموده داشت می‌شد - پرداخته شد - فریفته شد - ستوده بشود

۱۶۱۵- در کدام بیت فعل «مجھول» دیده می‌شود؟

- (۱) به ایران بماند به تو تاج و تخت
 (۲) چنین تا برآمد بربین سال پنج
 (۳) بیامد به نزدیک ایران سپاه
 (۴) بسی خویش و پیوند ما بُرده گشت

۱۶۱۶- عبارت «اصطلاح «جریان» برای توصیف گرایش‌های فعال بشری بار در حوزه نقد ادبی غیررسمی ایران استفاده شده و اگرچه شاید ممکن است به کاربرندگان آن تا حدودی به طیف معانی این واژه در تبیین گرایش‌های شعری آشنا بوده باشند، اما تلاشی برای

توضیح و تعریف آن تاکنون صورت نگرفته است.» به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» دارد؟

- (۱) هفت - هد (۲) هفت - نه (۳) هشت - نه (۴) هشت - هد



- ۱۶۱۷- در کدام یک از عبارت‌های زیر، دو نوع «نقش تبعی» یافت می‌شود؟
(۱) تهران، شهری در دامنه البرز، پایتحت است.
(۲) این سینما، دانشمند و فیلسوف بزرگ ایرانی، به سال ۴۲۸ هجری قمری درگذشت.
(۳) کتاب تاره محمد، داییزاده کوچک من، امروز از وزارت فرهنگ اجازه نشر گرفت.
(۴) مازیار، برادر کوچک فرهاد، به دانشگاه رفت و دیر به منزل بازگشت.

- ۱۶۱۸- در متن زیر چند نقش تبعی وجود دارد؟
«حجۃ‌الاسلام امام محمد غزالی، برادر امام احمد غزالی، از خانواده ایرانی در سال ۴۵۰ هـ.ق. در طابران طوس متولد شد. پدرش محمد بن محمد، مردی درویش و صالح و بی‌بهره از خط و سواد بود و پیشة بافنده‌گی داشت. از دسترنج خویش، روزی حلال به دست می‌آورد و روزگار می‌گذرانید. در حدود سال ۴۶۵ بفرد و یکی از دوستان صوفی مشربیش را وصی خود قرار داد و پسران خود، محمد و احمد را به او سپرد.»
(۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

- ۱۶۱۹- الگوی هجایی مفعول در عبارت زیر، برابر با کدام واژه است؟
«گوینده برای بیان مقصود و سایلی دارد که در اختیار تویسته نیست.»
(۱) بی‌اراده (۲) بنی‌آدم (۳) هنرجو (۴) لبریز

- ۱۶۲۰- واژه‌های «وندی - مرگب» عبارت زیر، مجموعاً چند واژ دارند؟
«امروز از جمله وظایفی که به عهده رهبران اندیشه و ذوق ایرانیان است، تشویق صاحب‌وقان و هنرمندان به نوشنامه نمایش‌نامه و ترغیب جوانان مستعد به تشکیل دسته‌های نمایشگری است.»
(۱) بیست و دو (۲) سی (۳) بیست و نه (۴) نوزده

- ۱۶۲۱- در کدام عبارت هر سه نوع واژه «وندی، مرگب و وندی - مرگب» یافت می‌شود؟
(۱) پر شر و شورترین مردمان باعثه پستی‌ها و بزرگواری‌های بشری در امواج پرگوغای زندگی در حال غرق شدن هستند.
(۲) باید پیروان به او ایمان داشته باشند و او را در کار خود زیردست و استاد بشناسند.
(۳) در قالب‌های نو، از ناپختگی و ناهمواری‌هایی که گاه‌گاه ممکن است ظاهر شود، هراسان نباید شد.
(۴) سنجش و آزمایش سبب ترقی و پیشرفت هر فنی است تا خطرا را از صواب بشناسیم، از خطرا پرهیز نمی‌کنیم.



۱۵۴۷- گزینه «۴» در این گزینه هر چهار واژه مشخص شده صحیح

معنا شده است، اما در گزینه (۱)، میکایل فرشته روزی رسان است نه فرشته صور! (اسرافیل، فرشته صور است). برگرفت در گزینه (۲)، نادرست معنا شده است و معنای صحیح آن «برداشت» است. در گزینه (۳) نیز، مذلت به معنای «فرومایگی، خواری، مقابله عزت» است که نادرست معنا شده است. (ضلالت یعنی گمراهی)

۱۵۴۸- گزینه «۳» تلبیس یعنی «دروغ و نیرنگسازی» و آن یعنی «بی تبازی، توانگری» (غنا به معنای «آواز خوش، سرود و تغمه» است). الوهیت به معنای «خدایی، خداوندی» و اصناف جمع صنف و به معنای «انواع، گونه‌ها، گروه‌ها» است. تعییه (تعییه کردن) نیز به معنای «قراردادن، جاسازی کردن» است.

۱۵۴۹- گزینه «۱» معنای درست و ازه‌ها: صنف: گروه، نوع، گونه - عنایت: توجه، لطف، احسان - مشعشع: درخشان، تابان - مذلت: فرومایگی، خواری، مقابله عزت - طوع: فرمان برداری، اطاعت، فرمابری بیشتر بدانید: اطاعت و مطابقت به معنای «فرمانبری، فرمان برداری» و مطیع به معنای «فرمانبر و فرمان بردار»، قطاع به معنای «فرمان برده شده»، فرماتروا همگی از ریشه «طوع» ساخته شده‌اند.



معنای خواندن در سایر گزینه‌ها:
(الف): می‌خوانند: درمی‌باشد، تشخیص می‌دهند. / لعل رُقانی: لعل سرخ به رنگ نارداه، لعل زمانی در این بیت، استعاره از «اشک سرخ و خونین» است.

(ج): خوانند: سرود و آواز خواند (بتوان خواند: می‌توان سرود)
(د): خوانند (صراع اول)، سر داد، خواند (فرباد خواند: فرباد کشید)
(ه): خواند: نامید، گفت

۱۵۵۵- گزینه ۳* فعل کرد از مصدر «کردن» در این گزینه به معنای «اجرا کردن، عمل کردن» است و در سایر گزینه‌ها به معنی «ساختن و بنادردن» به کار رفته است.

بررسی گزینه‌ها:
گزینه (۱): گفت آن روز که [خداؤند حکیم] این گنبد مینا (آسمان) را می‌ساخت

گزینه (۲): روزی که چرخ (روزگار)، از آب و گل (خمیرمایه وجودی) من، کوزه بسازد

گزینه (۳): همچون مردان حق، هفت کرد و بدان چه که می‌گفت عمل کرد

گزینه (۴): آن مرغ و پرندگان که عیسی (ع) بسازد، بسی خوار و زیون باشد در برایر خورشید.

۱۵۵۶- گزینه ۳* هیئت در هر دو بیت این گزینه به معنای «شكل و ظاهر و حالت» به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): قبضه: بیت اول: دسته شمشیر / بیت دوم: تصرف، سلطه و قدرت

گزینه (۲): سوال: بیت اول: درخواست و تقاضا، اظهار حاجت / بیت دوم: پرسش

گزینه (۴): گرفت: بیت اول: مکث شد، اندوهگین شد / بیت دوم: به چنگ آورد، در اختیار گرفت

۱۵۵۷- گزینه ۳* رابطه معنای میان جفت‌واژه‌های این گزینه، ترادف است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): تقاضا: قرب و بعد - اجبار و اختیار - اعزاز و اذلال (خوار و زیون ساختن) / تناسی: ظلوم و جهول

گزینه (۲): تقاضا: مردود و مقبول - عزت و مذلت / تقضی: اسرافیل و ملازکه / تناسی: دیو و ذدد

گزینه (۴): ترادف: تاب و طاقت / تقاضا: سهل و صعب / تناسی: طوف و کبه - نشرت و رگ

۱۵۵۸- گزینه ۳* با توجه به عبارت «قدر انس و - نمی‌دانست»

گرموت به معنای «دوری از وطن، بیگانگی» صحیح و مناسب نیست و قریمت به معنای «نzdیکشدن، خوشاوندی، همچواری» درست و صحیح است.

همچنین فراغ به معنی «آسایش و آسودگی» مناسب عبارت نیست و با توجه به محتوا، فراق به معنای «هجران، دوری» باید جایگزین آن شود.

گفت **نمایل** **قریب**: نزدیکی، همچواری - مستوحش: وحشت‌دارنده، ترسنده - قدر: ارزش، بیها (قدره: خیانت، مکر، بی‌وقایی) - مستغرق:

غوطه‌ور شونده، فرورونده [در آب] - غالبه: مستولی، چیره، مسلط

در این گزینه مقایس جمع نفیسه است به معنای «چیزهای نفیس و گرانیها» پس نادرست معنا شده است. معنای سایر واژه‌ها کاملاً صحیح است.

۱۵۵۹- گزینه ۱* نه واژه به درستی معنا شده است. معنای صحیح واژه‌هایی که جمع است باید جمع معنا شود و واژه‌ای که مفرد است، مفرد

نشتر: آلت فلزی نوک‌تیز که جزاحان به جای از بدن فربورند تا خون با چرک بیرون آید. (دشنه به معنای «خنجر، کارد پرند و نوک‌تیز» است) - قبضه: یک مشت از هر چیزی - طین: خاک، گل - وسائط: جمع وسیله‌یا واسطه، آن‌چه که به مدد یا از طریق آن به مقصد رسند (وسائط، مفرد معنا شده که نادرست است).

۱۵۵۲- گزینه ۳* در این گزینه اختیار و ظلوم نادرست معنا شده است. اختیار یعنی «برگزیدن، انتخاب کردن» و ظلوم یعنی «بسیار ستم کننده، بسیار ظالم».

در گزینه (۱)، **ذوالجلال** نادرست معنا شده که معنای صحیح آن «صاحب شکوهی و جلال و بزرگواری» است. (ذوالجلال یعنی صاحب شکوه) در گزینه (۴)، **تحیر** معنای صحیحی ندارد و معنای درست آن «سرگردانی» است. (تحیر یعنی سرگردان)

۱۵۵۳- گزینه ۲* در این گزینه، دیده در هر دو صراع با معنای یکسان یعنی «چشم» به کار رفته است.

معنی بیت: همچون باز (پرندۀ شکاری، شاهین) چشم از جهان و جهانیان فروپستادم، از زمانی که چشم من بر رُخ زیبای تو باز (گشوده) شده است.

۱۵۵۴- گزینه ۱: دستان: صراع اول: ترفند و فرب و سحر

معنی بیت: هر لحظه، با ترفند و فرب و سحری عجیب دل جمعی را می‌زیابی و آن‌ها را شیفتۀ خود می‌سازی. این گونه دلیری و شجاعت را حتی از رستم، پسر زال هم نمیدهایم.

۱۵۵۵- گزینه ۲: رود: صراع اول: رودخانه

معنی بیت: اگر می‌خواهی که از چشم تو، اشک چون جوی خون جاری نشود، دل در پیمان مهر و معاشرت با فرزند مردم مبنی و گرد عشق مگردا

۱۵۵۶- گزینه ۳: رود: صراع دوم: فرزند

معنی بیت: اگر می‌خواهی که از چشم تو، اشک چون جوی خون جاری نشود، دل در پیمان مهر و معاشرت با فرزند مردم مبنی و گرد عشق مگردا

۱۵۵۷- گزینه ۴: دوش: صراع اول: دیشب

معنی بیت: دیشب، سیل غم عشق تابه سر زانویم بود، امشب چه چاره‌ای

بیندیشم ای محبوب که این سیل غم از شانهام هم بالاتر خواهد رفت.

۱۵۵۸- گزینه ۲* خواندن معانی متفاوتی دارد: قرائت و مطالعه‌کردن، آوازخواندن و سرودگویی، دعوت‌کردن و به مهمانی خواستن کسی، درک و دریافت، نامیدن، احضار کردن و فراخواندن.

در عبارت سوال، خواندن به معنای «دعوت‌کردن و فراخواندن» است (می‌خوانند یعنی فرامی‌خوانند، دعوت می‌کنند) در بیت‌های «ب» و «د»

(صراع دوم) خواندن به همین معنا به کار رفته است.



- ۱۵۵۹- گزینه «۱»** واژه غدر املای صحیح و مناسبی ندارد؛ با توجه به محتوای عبارت و همراهی کلمه ضدر، قدر به معنای «ارج و ارزش» صحیح است. (غدر یعنی خیانت، مکر و بیوفای) **گفایت** ازله زمان یا آغاز (عزل؛ برکناری) - آقل؛ آزو، امید - صدر؛ بزرگ، پیشوای، بالا، پیشگاه - اعجاز؛ کار دشوار و خلاف عادت انجام دادن، معجزه - اعزاز؛ گرامی داشتن
- ۱۵۶۰- گزینه «۱»** تنها در عبارت «ج»، (نصراع اول)، ذلت به معنای «خطا و لغزش، گناه» مناسب و صحیح نیست و با توجه به محتوای بیت و همراهی کلمه «بیچارگی» ذلت به معنای «خواری، درماندگی، خذلان و پستی» باید جایگزین آن شود.
- ۱۵۶۱- گزینه «۱»** تنها در عبارت «ج»، (نصراع اول)، ذلت به معنای «خطا و لغزش، گناه» مناسب و صحیح نیست و با توجه به محتوای بیت و سایر کلمات مشخص شده از نظر املایی، صحیح و مناسب است.
- ۱۵۶۲- گزینه «۱»** الف: غربی؛ هر چیز نادر و نو، دور از وطن، بیگانه و ناشنا - قریب: نزدیک، خویشاوند «ب»: خاست؛ بلند شد، پدید آمد، پیدا شد - خواست؛ طلب کرد، تقاضا کرد «ج»: غرمت؛ دورشدن، دوری از وطن، بیگانگی (قریب: نزدیک شدن، همجاواری)
- ۱۵۶۳- گزینه «۲»** در عبارت سؤال سخن از گل وجود دارد.
- ۱۵۶۴- گزینه «۴»** در گزینه «۴» همانند بیت سؤال مفهوم آفرینش بواسطه انسان از گل وجود دارد.
- ۱۵۶۵- گزینه «۲»** در عبارت سؤال سخن از گل وجود دارد.
- ۱۵۶۶- گزینه «۴»** مفهوم سایر گزینه‌ها:
- ۱۵۶۷- گزینه «۳»** در گزینه «۳» سخن از این است که خداوندان انسان را بیواسطه از خاک آفرید و عشق خود را در سینه او نهاد که با عبارت سؤال مطابقت دارد.
- ۱۵۶۸- گزینه «۳»** مفهوم عبارت سؤال خطرناک بودن قرب معشوق است و پرهیز کردن از نزدیکی به او. در گزینه «۳» نیز شاعر می‌گوید: و قرب بیش از دوری جانکا و خطرناک است.
- ۱۵۶۹- گزینه «۲»** مفهوم عبارت سؤال خطرناک بودن قرب معشوق است که غیر از خدا، کسی حکمت آفرینش انسان را نمی‌داند.
- ۱۵۷۰- گزینه «۳»** مفهوم سایر گزینه‌ها:
- ۱۵۷۱- گزینه «۴»** با توجه به محتوای عبارت در این گزینه، مثمر به معنای «متفرق و پراکنده» صحیح و مناسب نیست و با توجه به همراهی کلمات «منظفر، فتح و ظفر» منصور به معنای «یاری شده، پیروز» باید جایگزین آن شود.
- ۱۵۷۲- گزینه «۱»** تعییه؛ جاسازی، قراردادن - قیع؛ پیروی (طبع؛ خو، طینت، نهاد و سرشت) - قالب؛ شکل، جسم، پیکر (غالب؛ پیروز، چیره، مسلط)
- ۱۵۷۳- گزینه «۲»** اسرار؛ رازها (اصرار؛ بافساری، استادگی در امری) - اتفاق؛ سودبردن - عفاف؛ پارسایی، پاکدامنی - صلاح؛ نیکی، خیر، اهلیت
- ۱۵۷۴- گزینه «۳»** قلندر؛ بی قید و از دنیا گذشته - حیات؛ زندگی (حیاط؛ صحنه، فضا و محوطه)
- ۱۵۷۵- گزینه «۴»** مظفر؛ پیروز - ظفر؛ پیروزی و فتح - اقبال؛ روی آوردن، نیکبختی - قفا؛ دنبال، پشت سر - مقهور؛ مغلوب، شکستخورده
- ۱۵۷۶- گزینه «۴»** در این گزینه املای همه کلمات صحیح است. غلطهای املایی موجود در گزینه‌ها و شکل صحیح آن‌ها:
- ۱۵۷۷- گزینه «۱»** مزلت ← مذلت؛ خواری، درماندگی (مزلت یعنی لغزش، محل لغزش)
- ۱۵۷۸- گزینه «۲»** غالب ← قالب؛ جسم، پیکر (غالب؛ مسلط، چیره)
- ۱۵۷۹- گزینه «۳»** عزل ← آزل؛ زمان یا آغاز، نخستین (عزل؛ برکناری)
- ۱۵۸۰- گزینه «۱»** فصاحت؛ شیوه‌ای و درستی کلام - مفارقت؛ جدایی، دوری و هجران - پگذاردن؛ رها کند، ترک کند (پگذاردن؛ به جا آورد، ادا کند) - غرمت؛ نزدیکی - اکراه؛ ناپسندادشتن، کسی را به زور و ستم به کاری واداشتن
- ۱۵۸۱- گزینه «۲»** املای کلمات شفت و غلب صحیح نیست و شکل درست املایی آن‌ها به ترتیب شفقت به معنی «رفاقت و دلسوزی» و قلب است.
- ۱۵۸۲- گزینه «۱»** غلطهای املایی موجود در سایر گزینه‌ها و شکل صحیح آن‌ها:



۱۵۷۵- گزینه «۲»: معنی آیه شریقه: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان آن را بر دوش کشید. بدترستی که او بسیار ستمگر و نادان بود.»
مفهوم گزینه‌ها:

گزینه (۱): بارزش بودن جهان در برابر عشق: ای آسمان عظمت خود را به من عرضه نکن، زیرا که در برابر عشق، ماه به یک دانه جو و خوش پروین به دو جو [هم نمی‌ازد].

گزینه (۲): سنگین بودن بار امانت بر دوش انسان (امانتی که آسمان تحملش را ندارد بر دوش انسان است).

گزینه (۳): گله از تقدیر: برای اقبال هر کس توبی مقدر شده است؛ چگونه است که آسمان و تقدیر توبت مرافا را موش کرده است؟

گزینه (۴): تکوہش سخن بارزش و مبتدل
۱۵۷۶- گزینه «۲»: مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲) این است که در محضر کریمان نیازی به بیان کردن حاجت نیست.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱) در محضر خداوند پخشندۀ حاجت زیاده خواستن عیب نیست.

گزینه (۳): با نیازمندان با روی گشاده باید پرخورد کرد: گره پیشانی (ججه) و اخم، سبب قفل شدن لب نیازمندان است، در خانه انسان‌های کریم باید همیشه باز باشد.

گزینه (۴): اسباب غنا و بینی نیازی، لب به حاجت بازنگردن است.

۱۵۷۷- گزینه «۳»: مفهوم بیت سؤال این است که فقر و تنگدستی از نگ و خواری در خواست کردن بهتر است. در گزینه (۳) نیز همین مفهوم وجود دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): در زمان گرفتاری، عیار دوستان معلوم می‌شود.

گزینه (۲): بدون ابراز نیاز (اگرچه دور از ادب است) مقصود حاصل نمی‌شود؛ همان طور که تا صد دهان باز نکنند، از پخشندگی ابر فایده‌ای نمی‌برد.

گزینه (۴): همت عالی داشتن ولی به دلیل فقر و تنگدستی فرصت رشد نداشت.

۱۵۷۸- گزینه «۲»: مفهوم بیت سؤال این است که کسی که عاشق نیست محروم اسرار عشق نیست. این مفهوم در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) نیز دیده می‌شود؛ اما در گزینه (۲) سخن از این است که کسی که از عشق مست شده دیگر، هشیار نمی‌شود.

۱۵۷۹- گزینه «۱»: مفهوم عبارت سؤال تاب و توان نزدیکی به خداوند (مشوق) را نداشتن است. مفهوم مقابل آن می‌شود مشتاق قرب عشق بودن یا تاب جدایی عشق برا نداشتن، که در گزینه (۱) این مفهوم وجود دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): حتی اگر توان رسیدن به قرب پروردگار را نداری درد عشق داشته باش.

گزینه (۳): شوق وصال، دوری راه را آسان می‌کند و موافع را از سر راه بر می‌دارد.

گزینه (۴): دوری ظاهری مهم نیست وقتی دلها به هم نزدیک است.

گزینه (۱): خود را به صورت‌های مختلف دیدن

گزینه (۳): تسلیم بودن در برابر مشوق

گزینه (۴): اظهار سرمستی و شور و شعف

۱۵۷۰- گزینه «۱»: مفهوم ریاعی سؤال و گزینه (۱) سرشته‌شدن وجود انسان با عشق (ازلی بودن عشق) است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): جلوه کردن رخ یار مایه رونق عشق عاشقان است.

گزینه (۳): دنیا پر از رنج و سختی است.

گزینه (۴): زار و ناتوان شدن عاشق در عشق مشوق

۱۵۷۱- گزینه «۱»: مفهوم عبارت سؤال توجه کردن به باطن و دل

انسان به جای ظاهر و تن او است، در گزینه (۱) نیز به این تقابل تن و دل اشاره شده است و شاعر می‌گوید: تباید به ظاهر و جسم [انسان] نگاه کرد، بلکه به باطن و دل او که جلوه‌گاه خداوند است باید نگریست.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): بدون عشق، کسی شایسته عنوان انسان نیست.

گزینه (۳): تنها انسان، شایسته عشق الهی است؛ نه جن و ملک.

گزینه (۴): لزوم دلپرداشت از هر چیزی غیر از عشق خدا.

۱۵۷۲- گزینه «۳»: مفهوم مصراج دوم بیت سؤال توجه کردن به باطن و دل انسان به جای ظاهر و تن او است و این که شیطان فقط ظاهر انسان را دید. این مفهوم در گزینه (۳) هم دیده می‌شود.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): بدون فضل و احسان، تقاوی بین انسان و نقش دیوار وجود ندارد.

گزینه (۲): یکسان نبودن ظاهر و باطن و ممکن نبودن قضاوت افراد از صورت ظاهری آنها

گزینه (۴): شیطان جز رنج و سختی برای انسان به بار نمی‌آورد.

۱۵۷۳- گزینه «۴»: مفهوم بیت سؤال این است که جلوه مشوق، سنگ

رابه دلی عاشق تبدیل می‌کند. در گزینه (۴) شاعر می‌گوید: اگر سنگ هم عاشق شود، گوهری را به عنوان مشوق خود انتخاب می‌کند. پس مفهوم این بیت هم اثر کردن عشق حتی در سنگ است که با مفهوم بیت سؤال متناسب است. در این بیت توضیح این نکته لازم است که گوهرها از دل کوه

به دست می‌آیند و گذشتگان ما اعتقاد داشتند، اگر خورشید بر سنگ‌هایی که قلبیت ذاتی دارند، سال‌ها و سال‌ها بتاید این سنگ‌ها به گوهر تبدیل می‌شوند؛ پس سنگ و گوهر با هم خوشاوندی دارند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): برتری مشوق بر سایر زیاره‌های و دلبران

گزینه (۲): همراه بودن عشق و ملامت

گزینه (۳): عشق تنها در دل تنگ و شکسته آرام می‌گیرد.

۱۵۷۴- گزینه «۲»: در عبارت سؤال سخن از این است که عاشق

مشوق را رها نمی‌کند، حتی اگر مشوق از او بگریزد. در گزینه (۲) هم سخن از رهانکردن مشوق است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۱) و (۳): رهایی از عشق امکان پذیر نیست.

گزینه (۴): نالیدن از اقبال خود / یار با دیگران همتشین است و از عاشق دوری می‌کند.

- معنی و مفهوم سایر گزینه‌ها:**
- گزینه (۱): برای رسیدن به مقام والا باید گوهر ذاتی خود را نمایان کنی، داشتن اصل و نسب کافی نیست.
- گزینه (۲): مدیدن لاله‌های سرخ‌رنگ نشانه غمی است که در دل خاک نهفته است.
- گزینه (۳): هیچ کس غیر از معشوق شایسته عشق نیست.
- گزینه (۴): در همه گزینه‌ها، به غیر از گزینه (۱) سخن از شانه خالی کردن آسمان و زمین از پذیرش بر امامت و پذیرفتن آن توسط انسان است. در گزینه (۱) سخن از بلندشدن مرتبه انسان با عشق الهی است.
- گزینه (۵): مفهوم مشترک گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) این است: کسی که عاشق نیست محروم اسرار عشق نیست و نباید اسرار عشق را بالامرمان بازگو کرد. در گزینه (۱) مفهوم اصلی این است که در حالت بی خودی می‌توان اسرار حقیقت را بیان کرد و به زبان آورد.
- گزینه (۶): مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴) شاهد رخ پار به باغ و گلستان است.
- مفهوم سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): آرزومندی حسرت به بار می‌آورد.
- گزینه (۲): باغ و بهار با وجود معشوق، لذت‌بخش و شادی‌آفرین است.
- گزینه (۳): با یاد و آرزوی دوست به باغ و گلستان رفت.
- گزینه (۴): در بیت سؤال عاشق از معشوق می‌خواهد رخ مانند خورشید خود را نمایان کند، در گزینه (۳) نیز عاشق از معشوق می‌خواهد بازگردد و با شمع وجودش بر او بتابد.
- مفهوم سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): حسن پار پنهان نمی‌ماند.
- گزینه (۲): ذراهای از وجود عاشق از عشق خالی نیست.
- گزینه (۳): پرتو زیبایی رخ پار را از پشت حجاب بهتر می‌توان دید.
- گزینه (۴): در گزینه (۳) منظور از «دختر گلچهره ز» شراب است و شاعر در این بیت، شراب را به آفتاب مانند کرده است، در حالی که در سایر گزینه‌ها چهره پار مانند خورشیدی دانسته شده است که شب عاشق را مانند روز روشن می‌کند.
- گزینه (۵): مفهوم بیت سؤال این است که عاشق تندی و عتاب (سرزنش) و ناز معشوق را خوش می‌دارد و آرزومند شنیدن کلام معشوق است، چه از روی لطف باشد، چه از روی قهر. در گزینه (۱) نیز همین مفهوم وجود دارد. مولانا می‌گوید: آدمهای که تسلیم فرمان تو باشم و عشق خود را به تو تابت کنم و اگر تو بگویی که «انه»، این «انه» گفتن تو برای من مانند نیشکر شیرین است و از آن کامم را شیرین سازم.
- مفهوم سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۶): حضور دائمی پار در تگاه و دل عاشق گزینه (۷): تسلیم و جانبازی عاشقانه (عاشق از تبر جفای معشوق رو برئی گرداند).
- گزینه (۸): ناتوانی در خشش آفتاب در برابر وجود معشوق
- ۱۵۸۰- گزینه «۲»:** مفهوم بیت سؤال آمیخته‌شدن کل انسان با شراب عشق (ازلی‌بودن عشق) است. این مفهوم در همه گزینه‌ها غیر از گزینه (۲) تکرار شده است. در گزینه (۲) سخن از ناتوانی تدبیر انسان در برابر تقدیر است.
- ۱۵۸۱- گزینه «۳»:** مفهوم مشترک آیه شریفه و گزینه (۳) شانه خالی کردن آسمان و زمین از پذیرش بر امامت الهی و پذیرفتن آن توسط انسان است.
- مفهوم سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): سرشتن کل انسان از می‌عشق (ازلی‌بودن عشق)
- گزینه (۲): همگامی ملاک با عارف (وصف تجربه عرفانی)
- گزینه (۳): اختلاف‌ها و درگیری‌های مذهبی به خاطر بی‌بهره‌بودن از حقیقت است.
- ۱۵۸۲- گزینه «۴»:** مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) این است که عاشق واقعی از خطرهای عشق رویگردان نیست و کسی که از سوز و ساز عشق می‌گیرید به وصال نمی‌رسد. در گزینه (۳) سخن از چیز دیگری است: اگر توان حرکت وجود نداشته باشد هیچ هدایت و عنایتی سود نمی‌کند.
- ۱۵۸۳- گزینه «۵»:** مفهوم اصلی عبارت سؤال بی‌خبری ملاک از عشق و مقام والا انسان است. در گزینه (۴) نیز همین مفهوم وجود دارد.
- مفهوم سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): فقط با عشق می‌توان به حقیقت رسید.
- گزینه (۲): کسی که خاک در گاه یار نباشد، شایسته نابودی است.
- گزینه (۳): تحمل ملامت‌ها و سختی‌های راه عشق
- ۱۵۸۴- گزینه «۶»:** مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) این است که تنها انسان شایستگی دریافت عشق الهی را دارد و ملاک و جن از عشق بی‌پرهه هستند؛ اما در گزینه (۴) مقایسه بین انسان و فرشته دیده نمی‌شود و فقط سخن از آفرینش انسان با عشق است.
- ۱۵۸۵- گزینه «۷»:** در عبارت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) سخن از آفرینش انسان از گل است، اما مفهوم گزینه (۱) این است که خدا روزی همه مخلوقات را می‌رساند.
- ۱۵۸۶- گزینه «۸»:** در گزینه (۳) مفهوم اصلی این است که در محضر انسان کریم نیازی به بیان حاجت نیست. در سایر گزینه‌ها سخن از این است که ابراز نیاز و طلب حاجت سبب از بین رفتن آبروست.
- معنی بیت (۲): بخشندگی باعث می‌شود که شخص فقیر ابراز نیاز نکند. زبان گذا به این دلیل بلند است که بخشندگی وجود ندارد.
- ۱۵۸۷- گزینه «۹»:** مفهوم آمیخته‌شدن سرشت انسان با عشق در همه گزینه‌ها غیر از گزینه (۳) تکرار شده است. در گزینه (۳) صاحب می‌گوید: اگرچه ما از روز اzel دارای فکر و اندیشه‌نیک و دقیقی بوده‌ایم، اما عشق رنگ دیگری به آن داده است. در اینجا سخنی از ازلی‌بودن عشق نیست.
- ۱۵۸۸- گزینه «۱۰»:** مفهوم مشترک گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) این است که عاشق معشوق را رهانی کند، حتی اگر معشوق از او بگریزد. در گزینه (۱) مفهوم اصلی بی‌وقایی و ستمگری معشوق است.
- ۱۵۸۹- گزینه «۱۱»:** در گزینه (۳) مانند عبارت سؤال سخن از این است که خداوند گنج عشق را درون انسان نهاده است.



شده است). در «گزینه (۴)» بین «دراز و آغاز» سجع آشکار است، اما تشبیه در این عبارت به کار نرفته است. «دست تطاول» تشبیه نیست، یعنی تطاول به دست تشبیه نشده است، بلکه معنی عبارت چنین است: «حکایت کنند که دستش را برای تعدی و ظلم به مال مردم دراز کرده بود».

در عبارت سوم، «رقعه بر خرقه می‌دوخت» یعنی بر لباس و صله می‌دوخته
۱۶۰۲- گزینه (۳) در «گزینه (۱)» بازی کردن «شقق و سرمستی»
 و پاورچین گذشتن» باد، در «گزینه (۲)» سینه موج و در «گزینه (۴)» «پیام‌آوری» نسیم تشخیص دارند و می‌دانیم که تشخیص نوعی استعاره استد در «گزینه (۳)» تشخیص به کار نرفته است.

۱۶۰۳- گزینه (۱) در این «گزینه «کفر» و «ایمان» هر چند دو مفهوم متضاد هستند، اما به دو پدیده متفاوت نسبت داده شده‌اند، بنابراین بیت متناقض نمانارد.
 بررسی سایر «گزینه‌ها»:

در «گزینه (۲)» با درد دواکردن و نسبت دادن ویژگی پادزه‌بودن به زهر، در «گزینه (۳)» با لب خاموش سخن‌گفتن و در «گزینه (۴)» ترکیب «دیوانه عاقل»، همگی متناقض‌نمای هستند.

۱۶۰۴- گزینه (۱) در این «گزینه، «چهره» به «آفتاب» تشبیه شده، ولی وجهشی یعنی درخششی، محظوظ است.
 بررسی سایر «گزینه‌ها»:

گزینه (۲): (من مشبه) چون (ادات تشبیه) نسیم (مشبه) افتان و خیزان بوده‌ام (وجهشی).

گزینه (۳): «کعبه وصل» اضافه تشبیه‌ی است و وصل به کعبه تشبیه شده، وجدهشی این تشبیه، یعنی «دوربودن» در بیت آمده است.

گزینه (۴): تو (مشبه) چون (ادات تشبیه) چراغ (مشبه) دل سیاه هستی (وجهشی) / تو (مشبه) چون (ادات تشبیه) آسیا (مشبه) تردا من هستی (وجهشی).

۱۶۰۵- گزینه (۴) در این «گزینه ایهام وجود ندارد. مصراع دوم «گزینه (۱)» مثل مشهوری در زبان فارسی است، بنابراین بیت ارسال المثل دارد.
گزینه (۲) تلحیح به آیه امامت (احزاب، آیه ۷۷) دارد و در «گزینه (۳)» بین قامت و قیامت جنلس ناهمسان هست.

۱۶۰۶- گزینه (۲) در این «گزینه» نه تشبیه به کار رفته و نه تشخیص (البته تشخیص ضعیفی در «باد» وجود دارد که در هر صورت با توجه به صورت سؤال، پاسخ صحیح ما همان «گزینه (۲)» است).
 بررسی سایر «گزینه‌ها»:

گزینه (۱): کنایه: ساکن‌شدن روان (روح) کنایه از به آرامش رسیدن روح / پارادوکس: ساکن روان

۲. توجه داشته باشید که هرگاه بین مضاف و مضاف‌ایه بتوان کلماتی همچون: به شانه، همراه با، به عنوان، از روی، برای و کلمات مشبه آن گذاشت، به آن اشاره اقترانی می‌گویند که با اضافه تشبیه تفاوت دارد.

- دست دوستی به سویم دراز کرد: دستش را به نشانه دوستی به سویم دراز کرد.
 - زانوی فم در بغل گرفته بود: زانویش را به علت فمگینی‌بودن باز روی فم، در بغل گرفته بود.

- جشم عنایت به ما داشت: جشم از روی عنایت به ما داشت.
 [از توجه داشته باشید که در کنکور سراسری از اضافه اقترانی سوال نمی‌آید، اما شناختن آن مفید است.]

۲. ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوهها عرضه کردیم؛ پس، از پردازش و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسنک بودند و انسان، آن را بر دوش کشید. پدرستی که او بسیار ستمگر و نادان بوده.

در بیت سؤال سخن از سمت‌های همراهان است و شاعر در جستجوی همراهان سرآمد و کاربرد است. در «گزینه (۴)» نیز سخن از این است که راه عشق را نمی‌توان به تنهایی پیمود و باید هفت عارفان و سرمستان را به عنوان خضر راه با خود همراه کرد، بنابراین در آن نیز بر داشتن همراهان سرآمد و کاربرد تأکید شده است.

مفهوم سایر «گزینه‌ها»:

گزینه (۱): دوری از زهد ریایی و روی‌آوردن به عشق و سرمستی

گزینه (۲): امیدناشتن به همراهی دیگران در «گرفتاری‌ها»

گزینه (۳): تحمل کردن سختی‌ها به یاد آسانی‌ها

۱۶۰۷- گزینه (۲) بیت مولوی تلحیح دارد به ماجراجی دیوجانس یا دیوژن یونانی که در روز روشن با چراغ به دنبال انسان می‌گشت تا نشان دهد هر کس ظاهر انسان دارد شایسته عنوان انسان نیست و پیداکردن انسان واقعی ناممکن است. در «گزینه (۲)» نیز شاعر می‌گوید: در دنیا نمی‌توان آدم پیدا کردا

مفهوم سایر «گزینه‌ها»:

گزینه (۱): ماهیت هر کس چیزی است که از خود نشان می‌دهد.
 (دیوبودن، حیوانیت، فرشته‌سیری و انسان‌بودن، همگی در درون هر انسانی وجود دارد، ولی حقیقت هر کس آن چیزی است که از خود نشان می‌دهد.)

گزینه (۲): تکوہش ریاکاری و دوربینی

گزینه (۳): سجده‌نکردن شیطان بر انسان، منزلت انسان را کم نمی‌کند.
۱۶۰۸- گزینه (۴) در بیت سؤال، مفهوم اصلی پنهان‌بودن خداوند در عین آشکاری است که در «گزینه (۴)» هم دیده می‌شود.

مفهوم سایر «گزینه‌ها»:

گزینه (۱): خداوند از همه رازهای بندگانش آگاهی دارد.

گزینه (۲): آگاه‌بودن بر حقایق و اسرار غیب

گزینه (۳): عالم الغیب بودن خداوند

۱۶۰۹- گزینه (۲) در این «گزینه»، بین «نمی‌پذیرد» و «نمی‌کند» سجع نیست، زیرا «پذیرد» و «کن» (بن مضارع این دو فعل) با یکدیگر همچ نوع تناسبی که باعث ایجاد سجع شود، ندارند. در «گزینه (۱)» بین «باب و جواب» (فعل «است» از انتهاي جمله دوم، به قرینه لفظی حذف شده است). در «گزینه (۳)» بین «بردبار و بی‌شمار» و در «گزینه (۴)» بین «بندتوار و ناز» سجع وجود دارد.

۱۶۱۰- گزینه (۳) «صد هزار» کنایه از سیار و «خود را بر باد دادن» کنایه از تایلودن خود است. «در رایی آتشین» از پارادوکس‌های رایج ادبیات فارسی است، زیرا آب و آتش در یک جانمی توانند جمع شوند. در دو جمله پایانی عبارت، بین «نهادمی و دادمی» سجع هست. تشخیص در این عبارت به کار نرفته است.

۱۶۱۱- گزینه (۴) در «گزینه (۱)» بین «آویخته و انگیخته» سجع است و «گرد بلا» اضافه تشبیه‌ی است. در «گزینه (۲)» بین «رسیده و کشیده» سجع برقرار است و «باران رحمت» و «خوان نعمت» اضافه تشبیه‌ی هستند. در

گزینه (۳) بین «فاقه و خرقه» و «می‌سوخت و همی‌دوخت» سجع وجود دارد و «آتش فاقه» اضافه تشبیه‌ی است (فقر و فاقه به آتشی سورانده تشبیه دارند) و «آتش فاقه» اضافه تشبیه‌ی است (فقر و فاقه به آتشی سورانده تشبیه دارند) و خسر هر دو به جستجوی آب حیات رفتند، خسر آب حیات را یافت و عمر جلوان به دست آورد. ولی اسکندر به آب حیات نرسید و عمر کوتاهی نصیب شد.



به یک تصویر تشبیه شده: بازگشت یار سفر کرده همانند [به نزد ما] آمدن کاروانی شکر از مصر به شیراز است.

«ب»: اغراق: داغی را که بر جان من است، اگر بر دل کوه بگذاری، سنگ‌های کوه را نیز به فریاد می‌آورد.

«ج»: مجلز: «سر» در معنی قصد و تیت از مجاز‌های مشهور شعر فارسی است. **«د»: تناقض:** در این بیت، دو متناقض‌نما به کار رفته است: ۱) ضرب تو آسایش است. ۲) تلخ تو شیرین است.

«ه»: وج‌آرایی: صامت / س / بیش از حد معمول خود تکرار شده است و موسیقی حاصل از آن، گوش‌نوای است.

۱۶۱۱- گزینه ۴: گزینه (۲) با جناس و گزینه (۳) با تلمیح رد

می‌شود. تنها واژه ایهام‌ساز بیت، «روده» است که در این بیت فقط در معنی «رودخانه» به کار رفته و از معانی دیگر آن، همچون ساز روده، سروده و فرزند، در این بیت خبری نیست. بنابراین پاسخ احتمالی تست، گزینه (۴) است.

توجه داشته باشد، تا آن جا که امکان پذیر است، هیچ گزینه‌ای را با آرایه‌ای اهم رد با اثبات نمی‌کنیم، مگر یعنی از این تست هم، پس از رد گزینه‌های

(۲) و (۳)، در صورت اثبات گزینه (۴)، گزینه (۱) خود به خود رد می‌شود: **حسن آمیزی:** پارش سبز / استعاره: (ذهن) خاک و (عطنشا) کبودن) خاک

تشخیص و استعاره دارد. **تشبیه:** تو به رو / تضاد: عطنشاک و سیراب بررسی آرایه‌ها، براساس پیشنهادهای گزینه (۴).

۱۶۱۲- گزینه ۴: با تلمیح گزینه (۱) رد می‌شود، زیرا در بیت «الف» تلمیح به کار رفته است. با تناقض گزینه (۲) رد می‌شود، زیرا بیت پیشنهادی این گزینه، یعنی بیت «د» تناقض ندارد و نهایتاً با «جناس» گزینه (۳) رد می‌شود، چون بیت «د» جناس ندارد.

بررسی آرایه‌ها، براساس پیشنهادهای گزینه (۴).

«الف»: فضاد: تلخ و شیرین / «ب»: تلمیح: به داستان حضرت آدم. شاعر در این بیت، به گوش‌مالی دادن حضرت آدم که همان تبعید او از پیش است، اشاره‌ای طرفی دارد. **«ج»: تناقض:** بی‌گناهی گناه است، پاک‌دامنی جرم است. **«د»: کندساختن تیغ‌ها**: کنایه از جلب مدارا و نرمی دشمن و «سپرانداختن»: کنایه از تسليم‌شدن و در مصراج دوم شاعر به صورت کنایی بیان می‌کند که سکوت، محافظ انسان است. **«ه»: جناس:** جام و نام، جام و جم

معنی بیت «ه»: تابه کی جام جهان‌نمای جمشید زبان‌زد و مشهور باشد، از این به بعد دوران شهر جام سفال ماست.

۱۶۱۳- گزینه ۳: «دیگر» در گزینه (۳) صفت مبهم و وابسته پسین است: **دری دیگر**

حسته وابسته پسین:

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): دیگری او را به قلاب می‌برد.

نواه، ضمیر مبهم

در این بیت، «دیگر» یکی از نقش‌های اسم را گرفته (نهاد) و هسته گروه اسمی است و «ای» از نوع نکره و وابسته پسین آن است.

گزینه (۲): «دیگر» در این بیت قید است. اسم قبل یا بعد از خودش را وصف نکرده؛ پس صفت مبهم نیست، هیچ کدام از نقش‌های اسم (نهاد، مفعول، مستند، متهم) را ندارد؛ پس ضمیر مبهم هم نیست. وقتی که نه صفت مبهم و نه ضمیر مبهم باشد، نتیجه می‌گیریم که قید است.

گزینه (۳): جناس: سوز و ساز، ریز و راز، ساز و راز / **تشبیه:** ساز عشق و راز مهر (اضافه تشبیه)

گزینه (۴): جناس: دام و دم / **مجاز:** دم در این بیت در معنی مجازی «سخن» به کار رفته است. (البته «دام» نیز در مصراج دوم در معنی مجازی «زهد» به کار رفته، همان طور که می‌دانید این نوع مجاز که زیرساخت تشبیه‌دارد، استعاره هم نامیده می‌شود.)

۱۶۰۷- گزینه ۳: در بیت «الف» تلمیح وجود ندارد، بنابراین گزینه (۲) حذف می‌شود؛ در بیت «ب» تضمین به کار رفته است پس گزینه (۱) نیز رد می‌شود؛ در بیت «ج» هر دو آرایه تشبیه و استعاره به کار رفته پس بیت «ج» هیچ کدام از دو گزینه باقی مانده را رد نمی‌کند. در بیت «د» متناقض‌نما وجود ندارد، بر این اساس، گزینه (۴) حذف می‌شود.

توپ: «پیدا شدن پنهان‌ها» تناقض ندارد، زیرا شرط «هم‌زمانی» در آن رعایت نشده است: آن‌چه امروز پنهان است، پس از روشن شدن شمع حق و حقیقت (یعنی در زمانی دیگر) آشکار می‌شود. بررسی آرایه‌ها براساس پیشنهادهای گزینه (۳):

«الف»: تشبیه: خودکالی [امانند] یک دیوار ناستوار بی‌پایه است. **«ب»: تلمیح:** به داستان حضرت ابراهیم و قریانی کردن اسماعیل **«ج»: استعاره:** با توجه به مصراج نخست، «دبیرستان» در مصراج دوم استعاره از فرقان (قرآن) است.

۱۶۰۸- گزینه ۱: گزینه (۲) با پارادوکس، گزینه (۳) با تشبیه و گزینه (۴) با تشخیص رد می‌شود.

بررسی آرایه‌ای گزینه (۱): تضاد: حلال و حرام / **مجاز:** «باده» مجاز از «جام باده» است، زیرا «باده» را نمی‌توان بر کف دست گذاشت. **جناس همسان:** «باد» در آغاز مصراج دوم، به معنی جایگالی هواست و در انتهای مصراج اول و دوم در معنی فعل دعایی / **جناس ناهمسان:** باده و باد، باد و یاد، با و باد، بو و او.

۱۶۰۹- گزینه ۲: در این بیت «تاب» در دو معنی به کار رفته است: **۱) پیچ و تاب ۲) تایش / بت:** در معنی معشوق زیبارو، از استعاره‌های رایج شعر و ادب فارسی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): حسن آمیزی: «تلخی عیش» حسن آمیزی است؛ زیرا عیش، واقعاً طعم ندارد / **پارادوکس:** ندارد.

گزینه (۳): تلمیح: به داستان حضرت یوسف (ع) و به زندان افتادن او / **ارسال المثل:** ندارد.

گزینه (۴): تضاد: درد و دوا / **تشخیص:** ندارد **جیبن** به معنی پیشانی است.

۱۶۱۰- گزینه ۲: آرایه تناقض برای شروع آرایه مناسبی است؛ بنابراین می‌باید ابیات «د» و «ه» را بررسی کنیم، بیت «ه» تناقض ندارد، پس گزینه‌های (۱) و (۴) حذف می‌شوند. با تشبیه نیز می‌توان گزینه (۳) را رد کرد، زیرا بیت پیشنهادی این گزینه، یعنی بیت «ب» تشبیه ندارد.

بررسی آرایه‌ها، براساس پیشنهادهای گزینه (۲): **«الف»: تشبیه:** این بیت، اصطلاحاً «تشبیه مرگب» دارد؛ یعنی یک تصویر



گزینه حتماً خواستان هست، حرف «و» بین دو جمله، حرف عطف نیست، بلکه حرف پیوند همپایه‌ساز است.

۱۶۱۹- گزینه^{۱۰} در عبارت سؤال، «وسایلی» مفعول است:

و- / س / ا / و- / ل /
من من من من من من

گزینه^{۱۱}: ب- / و- / ر- / د-
من من من من من من

الکوی هجایی سایر گزینه‌ها:
گزینه^{۱۲}: بنی آدم: ب- / ن- / ا- / د- / م-

گزینه^{۱۳}: هترجو: ه- / ن- / ر- / ج- / و-
من من من من من من

گزینه^{۱۴}: لبریز: ل- / ب- / ر- / ز-
من من من من من من

۱۶۲۰- گزینه^{۱۵}: رهبران: ر- / ه- / ب- / ران: ۸ واج

صاحب‌ذوقان: ص / ح- / ب- / ذ- / و- / قان: ۱۱ واج

نمایشنامه: ن- / م / ا / و- / ش- / ن / ا / م- : ۱۱ واج

در مجموع ۳۰ واج

گزینه الکوی هجایی واژه «ذوق» چنین است: ه- / و- / ق-
من من من من من من

این صدا در واژه‌هایی نظری «موج»، «موضوع»، «پرتو» و نیز وجود دارد:

موج: م- / و- / و- / ج. موضوع: م- / و- / و- / ض- / و- / ع-
من من

پرتو: پ- / و- / ر- / ت- / ه- / و-
من من

۱۶۲۱- گزینه^{۱۶}: گزینه‌های^(۱) و^(۲) «وندی»- مرگب^(۳) ندارند و گزینه^(۴) «فاقت واژه «وندی» است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه^(۱): مردمان، پستی‌ها، بزرگواری‌ها، بشری، زندگی؛ وندی / پرغوغه؛ مرگب^(۵) (ی) «میانجی است و جزء ساختمن این واژه نیست.) /

پر شر و شورترین (پر⁺ شر⁺ و⁺ شور⁺ ترین)، غرق‌شدن (غرق⁺ شد⁺ ت-ن)، وندی - مرگب

گزینه^(۲): زیردست (زیر⁺ بالا⁺ دست): مرگب / پیروان (پی⁺ رو⁺ ان): وندی - مرگب

گزینه^(۳): قالب‌ها، ناچیتگی، ناهمواری‌ها، هراسان؛ وندی / گاه‌گاه؛ مرگب

گزینه^(۴): سنجهش، آزمایش، فتنی؛ وندی / پیشرفت: مرگب

گزینه^(۴): در این گزینه، «دیگر» صفت مبهم و واپسخ پیشین است؛ در صورتی که صورت سؤال، واپسخ پیشین را خواسته است. دیگر حیوان
و واپسخ پیشین هست

۱۶۱۴- گزینه^{۱۷}: می‌کارد (مضارع مستمر): داشت آزموده می‌شد - می‌پرداخت (ماضی استمراری): پرداخته می‌شد - فریته است (ماضی نقلي): فریته شده است - پستاید (مضارع التزامی): ستوده شود

۱۶۱۵- گزینه^{۱۸}: بُرده گشت (= بُرده شد) و آزره^{۱۹} گشت (= آزره شد) فعل مجھول هستند که به شیوه قدیم با فعل کمکی «گشت» ساخته شده‌اند.

بسی خویش و پیوند ما و بسی مرد نیک‌اختر (= مردان نیک‌اختر بسیاری) جمع‌اند ولی فعل مجھول به صورت مفرد آمده است. این از ویزگی‌های شعر و نثر قدیم است که گاهی، شناسه افعال با نهاد مطابقت ندارد.

آن‌ها بسی خویش و پیوند ما را برداشت مجھول ← بسی خویش و پیوند ما برده گشت [=ند]

آن‌ها بسی مرد نیک‌اختر را آزرنده مجھول ← بسی مرد نیک‌اختر آزره گشت [=ند]

۱۶۱۶- گزینه^{۲۰}: ترکیب‌های وصفی: ۱) گرایش‌های فعال (۲) گرایش‌های بشری^(۲) (اولین بار^(۴) نقد ادبی^(۵) نقد ... غیررسمی^(۶) این واژه^(۷) گرایش‌های شعری ترکیب‌های اضافی: ۱) اصطلاح جریان^(۲) توصیف گرایش‌ها^(۳) حوزه نقد^(۴) نقد - ایران^(۵) به کاربرندگان آن^(۶) طیف معانی^(۷) معانی واژه^(۸) تبیین گرایش‌ها^(۹) توضیح آن^(۱۰) تعریف آن

گوشه ملاحظه می‌کنید که در ترکیب‌های اضافی به جای اسم، ضمیر هم می‌تواند باید؛ مثل: به کاربرندگان آن و تعریف آن مقافع مقافع‌ایی مقافع مقافع‌ایی

۱۶۱۷- گزینه^{۲۱}: «دانشمند» و «فیلسوف» بدل از «این‌سینا» است و «فیلسوف» هم معطوف به «دانشمند» است؛ پس در این عبارت دونوع نقش تبعی وجود دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه^(۱): «شهری در دامنه البرز» بدل از «تهران» است.

گزینه^(۲): «دادایزاده کوچک من» بدل از «محمد» است و نقش تبعی دیگری در این عبارت وجود ندارد.

گزینه^(۳): «برادر کوچک فرهاد» بدل از «مازیار» است. حرف «و» که بعد از فعل «رفت» آمده است، رابط بین دو جمله و حرف پیوند همپایه‌ساز دو جمله است و حرف عطف به حساب نمی‌آید.

۱۶۱۸- گزینه^{۲۲}: می‌دانیم که باید دنبال معطوف، بدل و تکرار بگردیم. «تکرار» کم‌کاربرد است و در این عبارت هم به کار نرفته است. پس کافی است که معطوفها و بدل‌ها را مشخص کنیم.

معطوف‌ها: مردی درویش و صالح و بی‌پیوه از خط و سواد / محمد و احمد
معطوف معطوف معطوف معطوف ← ۴ معطوف

بدل‌ها: «برادر امام احمد غزالی» بدل از «امام محمد غزالی» است. / «محمد بن محمد» بدل از «پدرش» است. / «محمد و احمد» بدل از «پسران خود» است. ← ۳ بدل

تاریخ ادبیات و کونه‌شناسی

فصل یکم: ادبیات تعلیمی

نام درس	اثر / قالب	پدیدآورنده
لطف خدا	فرهاد و شیرین ^۱	وحشی یافقی
نیکی	بوستان	سعدی
هفت	بهارستان	جامی
قاضی بست	تاریخ بیهقی	ابوالفضل بیهقی
زاغ و کبک	تحفه‌الاحرار ^۲	جامی

ویژگی‌های تاریخ بیهقی ← ۱- ذکر جزئیات ۲- مستندبودن وقایع ۳- توصیف دقیق و مفصل ۴- نثر استوار ۵- دقت و صداقت در بیان

فصل دوم: ادبیات فروزنده

نام درس	اثر / قالب	پدیدآورنده
در کوی عاشقان	زندگانی جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی ^۳	بدیع‌الزمان فروزانفر
چنان باش	اسرار التوحید	محمد بن منور
ذوق لطیف	روزها	دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
اولین روزی که به خاطر دارم	نمونه‌های نثر فصیح فارسی معاصر	جلال متینی
برگرفته از متن درس در کوی عاشقان	الهی‌نامه	سنایی
برگرفته از متن درس در کوی عاشقان	منطق الطیر	عطار

نمونه‌های نثر فصیح فارسی، مجموعه‌ای از آثار برخی نویسنده‌گان معاصر است که جلال متینی آن‌ها را گرد آورده و «اولین روزی که به خاطر دارم» نثری به قلم لطفعلی صورتگر است که در کتاب نمونه‌های نثر فصیح فارسی آمده است.

۱. فرهاد و شیرین، در قالب مثنوی سروده شده و عاشقانه است.
۲. تحفه‌الاحرار، متنی‌ای تعلیمی است.



نکات داخل درس «در کوی عاشقان»

محمد ملقب به جلال‌الدین مولانا ← اوایل قرن ۷ در بلخ به دنیا آمد.

دلیل شهرت او به رومی و مولانای روم ← اقامت طولانی او در شهر قونیه بود.

پدر جلال‌الدین محمد ← محمدحسین خطبی (معروف به بهاء‌الدین ولد) ← از دانشمندان روزگار بود.

ملاقات مولوی و عطار ← وقتی مولانا ۵-۶ ساله بود به قصد سفر حج با خانواده رهسپار شد. در نیشابور شیخ فریدالدین عطار را ملاقات کرد. عطار کتاب اسرارناهه خود را به جلال‌الدین هدیه داد و به بهاء‌الدین گفت: زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند.

پادشاه سلجوقی روم (علاء‌الدین کیقباد) ← از بهاء‌الدین ولد خواست به قونیه برود و در آن جا ساکن شود.

در هجده‌سالگی جلال‌الدین با «گوهرخاتون» سمرقندی ازدواج کرد. در بیست و چهار سالگی پدرش (بهاء‌الدین ولد) را از دست داد و مجالس درس و ععظ او را به عهده گرفت. هفت سال در حلب و دمشق به تحصیل دانش و معرفت گذراند. به قونیه بازگشت و به تدریس علوم پرداخت.

ملاقات مولوی با شمس ← جلال‌الدین مولوی در ۳۸ سالگی با شمس‌الدین تبریزی مواجه شد.

شمس‌الدین تبریزی ← در ۲۶ جمادی الآخر سال ۶۴۲ ه.ق. وارد قونیه شد. عارفی کامل و مرد حق بود. از مردم تبریز بود و بسیار مسافرت می‌کرد. به دلیل سیر و سفر هم‌چنین جستجو در عالم معنا به او شمس پرنده می‌گفتند. مولانا مرید شمس می‌شد و ۴۰ روز به خلوت می‌نشیند.

شمس به دلیل حسادت و آزار شاگردان و یاران مولانا به دمشق می‌رود.

سلطان ولد ← فرزند مولانا که برای بازگرداندن شمس به دمشق می‌رود.

شمس پس از بازگشت به قونیه دوباره مورد حسادت و خشم یاران و مریدان مولانا قرار می‌گیرد و دل از قونیه بر می‌کند. از این به بعد سرانجام و عاقبت کار شمس و این که چه بر سر او آمده روشن نیست. پس از شمس یعنی از سال ۶۴۷ ه.ق. تا سال وفات مولانا ۶۷۲ ه.ق. مولانا به نشر معارف الهی مشغول بود.

شیخ صلاح‌الدین زرکوب ← از یاران نزدیک مولانا

حسام‌الدین چلبی ← انگیزه سروdon کتاب مثنوی معنوی شد.

از مولانا خواست کتابی به طرز الهی نama سنایی یا منطق الطیّر عطار به نظم آورد.

سعدی و فخرالدین عراقی ← از شاعران و هم‌روزگاران مولانا که ظاهراً با مولانا ملاقات داشته‌اند.

روز یکشنبه ۵ جمادی الآخر سال ۶۷۲ ه.ق. مولانا وفات یافت.

فصل سوم: ادبیات غیاثی

نام درس	الفر / قالب	پدیدآورنده
پروردۀ عشق	لیلی و مجنون ^۱	(آخر)
مردان واقعی	تذکرۀ الاولیا	(آخر)
باران محبت	مرصاد العباء من المبدأ الى المعاد	نجم‌الدین رازی (معروف به دایه)
آفتاب حسن	غزلیات شمس	جلال‌الدین محمد مولوی

۱. «لیلی و مجنون» در قالب مثنوی سروده شده و عاشقانه است.



- ۲۲۱۸- «پرندۀ» لقب کدام عارف ایرانی بوده است؟
- (۱) مولانا جلال‌الدین (۲) شمس‌الدین تبریزی (۳) بهاء‌الدین ولد (۴) سلطان‌ولد
- ۲۲۱۹- نویسنده یا سراینده چند مورد از آثار زیر درست نیست؟
- (بوستان: سعدی) (فرهاد و شیرین: نظامی) (اسرارنامه: اوحدی) (بهارستان: عطار) (الهی‌نامه: سنایی) (منطق‌الطیب: جامی)
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- ۲۲۲۰- با توجه به زندگی‌نامه مولانا، کدام گزینه نادرست است؟
- (۱) از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا می‌توان به سعدی و فخرالذین عراقی اشاره کرد.
 (۲) پدر جلال‌الدین، محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین ولد از داشتمدان روزگار خود بود.
 (۳) دیدار شمس و مولانا در سال ۶۴۲ هجری قمری اتفاق افتاد، یعنی در ۳۸۳ مولانا.
 (۴) صلاح‌الذین زرکوب از مولانا درخواست کرد کتابی ایرانی هدایت مریدان [۱] به نظم درآورد.
- ۲۲۲۱- همه آثار زیر یا استثنای در حوزه ادبیات «سفر و زندگی‌نامه» قرار می‌گیرند.
- (۱) اخلاق محسنی (۲) روزها (۳) اتاق آبی (۴) ارزیابی شتابزده
- ۲۲۲۲- کتاب «نمونه‌های نثر فصیح فارسی معاصر» اثر چه کسی است؟
- (۱) محمدی اشتهرادی (۲) جلال متنی (۳) لطفعلی صورتگر (۴) مجید واعظی
- ۲۲۲۳- علامه بدیع‌الرمان فروزانفر «زندگی‌نامه کدامیک از مشاهیر ادب فارسی را به نگارش درآورده است؟
- (۱) عطار نیشابوری (۲) سنایی (۳) ابوالفضل بیهقی (۴) جلال‌الدین محمد مولوی
- ۲۲۲۴- در همه گزینه‌ها انتساب اثر به پدیدآورنده آن درست است، به جز
- (۱) روزها: جلال آلامحمد (۲) من زندمام: مقصومه آباد (۳) مائدۀ‌های زمینی و مائدۀ‌های تازه: آندره زید (۴) الهی‌نامه: سنایی
- ۲۲۲۵- شعر زیر به ترتیب تضمینی از کدام شاعر را در بر دارد و سراینده آن چه کسی است؟
- (بیداری زمان را با من بخوان به فرباد / ور مرد خواب و خفتی / رو سو بته به بالین، تنها مرا رها کن)
 (۱) عطار، نیما یوشیج (۲) مولانا، شفیعی کدکنی (۳) مولانا، سهراب سپهابی
 (۴) سنایی، لطفعلی صورتگر
- ۲۲۲۶- بیت زیر برگرفته از متن درس «ذوق لطیف» از گیست؟
- «به حرص ارشوتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرود و استسقا»
- (۱) سنایی (۲) سعدی (۳) عطار (۴) حافظ
- ۲۲۲۷- همه ایيات مضمون و درون‌مایه غنایی دارند، به جز
- (۱) ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من (۲) تو ز قرآن ای پسر ظاهر مین (۳) گر من نظری به سنگ بر بگمارم (۴) کز عشق به غایتی رسانم
- ۲۲۲۸- پدیدآورنده‌گان «تذکرة‌الاولیا، هفت پیکر، بوستان، بهارستان، بهتریب خالق کدام آثارند؟
- (۱) منطق‌الطیب، لیلی و مجنوون، گلستان، اسرارالتوحید (۲) اسرارنامه، فرهاد و شیرین، غزلیات، تحفه‌الاحرار (۳) الهی‌نامه، سیاستنامه، لطایف‌الطوایف، اخلاق محسنی
- ۲۲۲۹- موضوع کدام دو اثر زیر مشترک نیست؟
- (۱) لیلی و مجنوون، فرهاد و شیرین (۲) روزها، اتاق آبی (۳) تحفه‌الاحرار، گلستان (۴) سیاستنامه، شاهنامه
- ۲۲۳۰- مؤلفان آثار «اسرارالتوحید، تذکرة‌الاولیا، تحفه‌الاحرار، لطایف‌الطوایف»، به ترتیب کدام‌اند؟
- (۱) ابوعسید ابوالخیر، جامی، احمد بن زید طوسی، نجم‌الدین رازی (۲) محمد بن منزر، عطار نیشابوری، خواجه نظام‌الملک توسي، فخرالذین علی صفائ (۳) ابوعسید ابوالخیر، عطار نیشابوری، جامی، نجم‌الدین رازی (۴) محمد بن منزر، عطار نیشابوری، جامی، فخرالذین علی صفائ
- ۲۲۳۱- «دایه» لقب کدام شاعر، نویسنده یا عارف است؟
- (۱) بهاء‌الدین ولد (۲) نجم‌الدین رازی (۳) نعمت‌الله ولی (۴) شمس‌الدین تبریزی

۲۲۳۲- در چند مورد آثار نسبت داده شده به پدیدآورنده آن نادرست است؟

الف) تذکرۃالاولیا: جامی

ب) لیلی و مجنون: نظامی گنجه‌ای

ج) غزلیات شمس: شمس الدین تبریزی

د) مرصادالعبد من المبدأ الى المعاد: جامی

۱) یک

۲) دو

۳) سه

۴) چهار

۲۲۳۳- پدیدآورنده‌گان روزها، نمونه‌های نثر فصیح فارسی معاصر، داستان‌های صاحبدلان، ارزیابی شتاب زد «به ترتیب چه کسانی هستند؟

۱) محمدعلی اسلامی ندوشن، جلال متینی، محمدی اشتهاردی، جلال آل‌احمد

۲) لطفعلی صورتگر، جلال متینی، عبدالحسین وجданی، جلال آل‌احمد

۳) محمدعلی اسلامی ندوشن، حسین منزوی، محمدی اشتهاردی، حسین منزوی

۴) محمدعلی بهمنی، حسین منزوی، محمدی اشتهاردی، جلال آل‌احمد

۲۲۳۴- موضوع کدام بیت متعلق به حوزه متفاوتی از ادبیات است؟

۱) گرچه ز شراب عشق مستم عاشق‌تر از این کنم که هستم

۲) بنمای رخ که باغ و گلستان آرزوست بگشای لب که قند فراواسم آرزوست

۳) گفتی ز ناز بیش منجان مرا برو آن گفتن که بیش منجان آرزوست

۴) به پیش دشمنان استاد و جنگید رهاند از بند اهربیمن وطن را

۲۲۳۵- نویسنده یا سراینده چند مورد از آثار زیر درست نیست؟

(لیلی و مجنون: وحشی بافقی)، (مرصادالعبد من المبدأ: عطار)، (تذکرۃالاولیا: عطار)، (تفسیر سوره یوسف: فخرالدین علی صفوی)

۱) دو
۲) سه
۳) چهار
۴) پنج

۲۲۳۶- مشخصات مربوط به کدام اثر کاعلاً درست است؟

۱) داستان‌های دل‌انگیز فارسی: بازنویسی داستان‌هایی است از هفت پیکر نظامی که زهرا کیا (سپیده کاشانی) آن‌ها را به نظم درآورده است.

۲) در امواج سند: شعری در قالب ترجیع‌بند از مهدی حمیدی شیرازی و موضوع آن پایداری جلال‌الدین خوارزمشاه در برابر لشکر مغول است.

۳) زندان موصل: مجموعه‌ای از خاطرات اسیر آزادشده علی‌اصغر ریاضیزی است.

۴) مرصادالعبد من المبدأ الى المعاد: اتری به نظم از فخرالدین علی صفوی و مضمون آن عرفانی و غنایی است.

۲۲۳۷- در کدام گزینه آثار به ترتیب «منتور، منظوم، منتشر، منتشر» هستند؟

۱) تذکرۃالاولیا، فرهاد و شیرین، تحفۃالاحرار، تاریخ بیهقی

۲) شاهنامه، پهارستان، گلستان، اسرارالتوحید

۳) مرصادالعبد، بوستان، تحفۃالاحرار، الهی‌نامه

۴) تحفۃالاحرار، لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، اسرارالتوحید

۲۲۳۸- کتاب «عباس‌میرزا، آغازگری تنها» از کیست و موضوع آن چیست؟

۱) جلال متینی، تاریخ قاجار

۲) مجید واعظی، زندگی‌نامه عباس‌میرزا

۳) اصغر ریاضیزی، زندگی‌نامه عباس‌میرزا

۴) مجید واعظی، تاریخ دوره صفویه

۲۲۳۹- «پروانه» تخلص شاعرانه چه کسی است؟

۱) محمدعلی مجاهدی
۲) مصطفی علی‌پور
۳) زهرا خانلری
۴) سرور اعظم باکوچی

۲۲۴۰- در کدام گزینه تمام شاعران از ریاعی‌سرايان انقلاب اسلامی به حساب می‌آیند؟

۱) مصطفی علی‌پور، محمدرضا شفیعی کدکنی، سلمان هراتی، معصومه آباد

۲) سلمان هراتی، مصطفی علی‌پور، محمدعلی مجاهدی، مصطفی محدثی

۳) سلمان هراتی، مصطفی محدثی، محشم کاشانی، قیصر امین‌پور

۴) نصرالله مردانی، سید حسن حسینی، محمدعلی مجاهدی، شهراب سپهری

۲۲۴۱- همه شاعران نام برده شده، به جز از ریاعی‌سرايان نامدار ادب فارسی‌اند.

۱) یا بافضل
۲) مولوی
۳) عطار
۴) نظامی



- ۲۲۱۹- گزینه «۲» «فرهاد و شیرین» اثر حشی بافقی، «بیهارستان» اثر جامی و «منطق الطیر» اثر عطار نیشابوری است.
- ۲۲۲۰- گزینه «۴» بنا بر نوشته‌ها و روایات کسی که از مولانا درخواست می‌کند کتابی به شیوه الهی‌نامه سنایی یا منطق الطیر عطار برای هدایت مریدان بسرايد، حسام الدین چلبی بوده است.
- ۲۲۲۱- گزینه «۱» اخلاق محسنی اثری تعلیمی - عرفانی است.
- ۲۲۲۲- گزینه «۲» این کتاب از جلال متینی، نمونه‌هایی از نشرهای نویسنده‌گان مختلف معاصر از جمله لطفعلی صورتگر را در بر دارد.
- ۲۲۲۳- گزینه «۴»
- ۲۲۲۴- گزینه «۱» کتاب «روزه‌ها» از دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن است. پدیدآورنده سایر گزینه‌ها بمدرستی آمده است.
- ۲۲۲۵- گزینه «۲» مصراج آخر، تضمینی از غزل مولانا است که معروف است مولانا آن را در واپسین لحظات عمر خود سروه است.
- ۲۲۲۶- گزینه «۱» این درس راجع به شیفتگی نویسنده، دکتر اسلامی ندوشن به آثار سعدی است، اما بیت پایانی متن درس از سنایی است.
- ۲۲۲۷- گزینه «۲» این بیت مضمونی تعلیمی دارد و به خواننده توصیه می‌کند که در ورای ظاهر امور، باطن آن‌ها را در نظر داشته باشد.
- ۲۲۲۸- گزینه «۴» تذکرۃالاولیاء، منطق الطیر، اسرارنامه و الهی‌نامه آثار عطار نیشابوری‌اند. هفت پیکر و لیلی و مججون آثار نظامی گنجه‌ای، بوستان و گلستان آثار سعدی، و بیهارستان و تحفۃالاحرار آثار جامی هستند.
- ۲۲۲۹- گزینه «۳» سیاست‌خانمه اثری تعلیمی و مربوط به آین فرمانروایی است؛ اما شاهنامه اثری حمامی است. آثار گزینه (۱) غنایی‌اند در گزینه (۲) هر دو اثر، زندگی‌نامه و خاطره‌نگاشت‌اند و در گزینه (۴) تعلیمی - اخلاقی‌اند.
- ۲۲۳۰- گزینه «۴»
- ۲۲۳۱- گزینه «۲»
- ۲۲۳۲- گزینه «۳» «تذکرۃالاولیاء» اثر عطار نیشابوری، «غزلیات شمس» اثر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و «مرصادالعباد من المبدأ الى العداد» اثر نجم‌الدین رازی است.
- ۲۲۳۳- گزینه «۱»
- ۲۲۳۴- گزینه «۴» ایات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) درون مایه‌ای غنایی دارند، چون در آن‌ها شاعر احساسات خود را بیان کرده است. اما گزینه (۴) مربوط به ادب پایداری و مقاومت است، چرا که در آن از مقاومت در برابر دشمنان و آزاد کردن میهن از بند اهربیمن سخن گفته شده است.
- ۲۲۳۵- گزینه «۲» «لیلی و مججون» اثر نظامی گنجه‌ای، «مرصادالعباد» اثر نجم‌الدین رازی معروف به دایه، «تفسیر سوره یوسف» اثر احمد بن محمد بن زید طوسی است.
- ۲۲۳۶- گزینه «۳» بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه (۱): داستان‌های دل‌انگیز فارسی اثر زهراء کیا (خانلری) علاوه بر داستان‌هایی از هفت پیکر نظامی از سایر متون مثل مثنوی معنوی و منطق الطیر نیز داستان‌هایی در خود دارد.
- گزینه (۲): در امواج سند شعری در قالب چهارباره است.
- گزینه (۴): مرصادالعباد اثری است به نثر از نجم‌الدین رازی.
- ۲۲۱۸- گزینه «۲» به دلیل این که شمس زیاد مسافت می‌کرد، هم‌چنین به دلیل جست‌وجود در عالم معنا به او «شمس پرنده» لقب داده بودند.



۲۲۳۷- گزینه «۱»

۲۲۳۸- گزینه «۲»

۲۲۳۹- گزینه «۱»

۲۲۴۰- گزینه «۲» در گزینه (۱) محمدرضا شفیعی کدکنی و

معصومه آباد، در گزینه (۳) محتشم کاشانی و در گزینه (۴) سهراب

سپهری از رباعی‌سرایان انقلاب اسلامی محسوب نمی‌شوند.

۲۲۴۱- گزینه «۴» تمام شاعران دیگر از رباعی‌سرایان نامدارند ولی

شهرت نظامی به دلیل منظومه‌های بلند‌غناهی لost ته به دلیل رباعی‌های او.